

گزارش بین المللی آزادی مذهبی ۲۰۱۹ ایران

فشرده گزارش

قانون اساسی ایران قید می‌کند که ایران یک جمهوری اسلامی است و اسلام شیعی جعفری اثنی عشری دین رسمی کشور شناخته می‌شود. در قانون اساسی ایران معین شده که کلیه قوانین و مقررات کشور باید بر اساس «موازین اسلامی» و تعبیر رسمی شریعت مبتنی باشد. قانون اساسی تعریف می‌کند که شهروندان کشور باید از حقوق بشری، سیاسی، اقتصادی و حقوق دیگر «منطبق با موازین اسلامی» برخوردار باشند. قانون جزا قید می‌کند که تبلیغ درباره یک مذهب دیگر و ترغیب مسلمانان به گرویدن به دینی دیگر و نیز محاربه («دشمنی با خدا»)، و صَبَّ النبی («اهانت به پیامبر») مستوجب کیفر مرگ است. طبق قانون جزا، تعمیل سزای اعدام، در پیوند به دین شخص مرتکب جرم و نیز دین شخص متضرر، فرق می‌کند. قانون شهروندان مسلمان را از تغییر یا نفی باورهای مذهبی‌شان منع می‌کند. قانون اساسی ضمناً مشخص می‌کند که برای پنج مذهب غیر شیعه جعفری بایستی «احترام کامل قائل شد» و از لحاظ تعلیم دین و پاره‌ای امور شخصی برای پیروانشان مرجع رسمی محسوب شوند. قانون اساسی می‌گوید زرتشتیان، کلیمیان، و مسیحیان (به استثنای مرتدین یا برگشتگان از اسلام) تنها اقلیت‌های مذهبی هستند که به رسمیت شناخته میشوند و «در حدود قانون» مجاز به ادای شعائر دینی و تشکیل جوامع مذهبی خویش هستند.

دولت به اعدام افراد بر اساس اتهامات محاربه ادامه داد و از جمله در تاریخ ۴ آگست دو زندانی از اقلیت اهوازی عرب اهل سنت را در زندان فجر اعدام کرد. سازمان‌های غیر دولتی مدافع حقوق بشر به شکل مسلسل گزارش‌های را ارائه نمود که در آن تعداد زیاد اعدام زندانی‌های اهل سنت مخصوصاً کردها، بلوچی‌ها و عرب‌ها ذکر گردیده بود. در مورد توسل به شکنجه، اخذ اعترافات جبری، و محروم ساختن افراد از دسترسی به کمک وکیل ابراز نگرانی کردند. سازمان‌های مدافع حقوق بشر در مورد توسل به شکنجه، اخذ اعترافات جبری، وضعیت نامناسب زندان‌ها و محروم ساختن افراد از دسترسی به کمک وکیل ابراز نگرانی کردند. رسانه‌های بین المللی و فعالان حقوق بشر گزارش داده اند که مقامات زندان قرچک زنان را مورد هدف قرار داده و با زندانی‌های صوفی گنابادی رفتار نامناسب دارند و همچنان آنها را از دسترسی به وکیل محروم کرده اند. مرکز اسناد حقوق بشر ایران (CHRI) در ماه جنوری گزارش کرد که مقامات الهام احمدی یک زندانی صوفی گنابادی در ایران را به دلیل اینکه از محرومیت خدمات صحی و وضعیت نامناسب زندان صحبت کرده بود به ۱۴۸ شلاق اضافی محکوم کرد. سازمان‌های حقوق بشر و همچنان جاوید رحمان گزارش‌گر سازمان ملل متحد در امور حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران بدرفتاری با احمدی و حکم خدمت زندان توسط ۱۰ زن صوفی گنابادی در زندان قرچک را رد کردند. آنها همچنان آمار زیاد مرگ و دستگیری در ولایت اقلیت مذهبی و نژادی را غیر قابل قبول دانسته در حالیکه سازمان‌ها می‌گویند که این همه در نتیجه استفاده زور مفرط از طرف دولت در مقابل معترضین در تظاهرات ماه نوامبر اتفاق افتاده است. قرار دیتابیس «اتلس زندان‌های ایران» که توسط یک سازمان غیر دولتی مقرر امریکا ایجاد گردیده است، ۱۰۹ تن از گروه‌ها اقلیت مذهبی هنوز زندانی اند.

«مرکز اسناد حقوق بشر ایران» (CHRI) در مارچ گزارشی را ارائه نمود که در آن از زندانی ساختن گروهی ۲۳ درویش صوفی گنابادی ذکر گردیده بود. این درویش‌ها به اتهام‌های؛ گردهمایی و سازش علیه امنیت ملی، نافرمانی از پولیس، و برهم زدن نظم عامه تا ۲۶ سال زندان محکوم گردیده اند. طبق رسانه‌ها این درویش‌ها از جمله بیش ۳۰۰ تن صوفی‌های گنابادی بودند که در سال ۲۰۱۸ برای بازداشت

خانگی رهبر روحانی صوفیان و کشته شدن دوست شان نعمت الله ریاه دست به اعتراض زدند و توسط پولیس دستگیر شده بودند.

دولت به اذیت کردن، استنطاق و بازداشت بهائیان، مسیحیان (بویژه نو گرویدگان به مسیحیت)، مسلمانان اهل تسنن، و دیگر اقلیت‌های مذهبی ادامه می‌داد، و مناسک مذهبی مسیحیان از نزدیک زیر مراقبت قرار داده تا منع تبلیغات دینی آنها را تنفیذ کند. «آژانس خبری فعالان حقوق بشر» (HRANA) در سپتامبر گزارش کرد که دولت مولوی توحید قریشی، روحانی پیشوای سنی کشور را به اتهام «گردهمایی و سازش علیه امنیت ملی، حمایت گروه های مخالف و تبلیغات علیه دولت» به ۱۶ سال زندان محکوم کرد. وبسایت ایران وایر گزارش کرد که در بین ماه های مارچ و اکتوبر مقامات قضایی به استنطاق، بازداشت و محاکمه بهایی ها شدت بخشید و در جریان این مدت حد اقل ۶۵ بهایی ها در شهر های مختلف محاکمه گردید. طبق «CHRI» کارمندان امنیتی به تاریخ ۲ جون مهدی حاجتی عضو شورای شهر شیراز را به اتهام پیشتیبانی از «عقیده نادرست بهایی» بازداشت و به یک سال زندان فرستاد. طبق سازمان غیر دولتی «همبستگی جهانی مسیحیان» (CSW) سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به تاریخ ۱۰ فوریه یک کشیش را بازداشت کرد و تمام انجیل ها و مابایل های یارانش را نیز ضبط نمود. یارسانی ها میگفتند که کماکان مورد تبعیض و ایداء از سوی مقامات قرار میگیرند. گزارش میشود که دولت از صدور پروانه ساختمان برای احداث اماکن ویژه عبادت و امکانات اشتغال و تحصیلات عالی برای اعضای اقلیت های مذهبی و بهائیان امتناع میورزد. گزارشها کماکان حکایت از آن داشت که مقامات برای اماکن کار و کسب بهائیان محدودیت وضع میکردند یا آنها را مجبور به تعطیل میکردند.

دولت در برابر تعرضات حجاب اجباری به سخت گیری ادامه داد. در آگست رسانه های بین المللی و سازمان های گوناگون حقوق بشر گزارش کردند که صبا کرد افشاری فعال حقوق زن برای دخیل بودن در تعرضات حجاب اجباری به ۲۴ سال زندان محکوم گردیده است. طبق گزارش ماه می (CHRI) کارمندان دولت با استفاده از بدافزار ها به حمله هایش به اکونت های آنلاین گروه های اقلیت مذهبی مخصوصا صوفی گنابادی ادامه داد. «کمیته بین المللی بهایی ها» (BIC) گزارش کرد که بهایی ها از کار کردن در دولت به سطح محلی، ولایتی و ملی نه تنها در خدمات ملکی بلکه تعلیم و قانون نیز محروم اند. طبق منابع مختلف، مسلمانان غیر شعیه و غیر مسلمانان مخصوصا بهایی ها با تبعیض ها و اذیت های گوناگون مواجه شدند. از سوی دیگر کافرما ها سکتور خصوصی بدلیل فشار های اجتماعی نتوانستند برایشان زمینه کار را فراهم کند. بهایی ها همچنان از ویرانی گورستان های بهایی گزارش کردند. ایالات متحده آمریکا هیچ نوع روابط دیپلماتیک با کشور ایران ندارد. دولت آمریکا با استفاده از اعلامیه ها، تحریم ها و ابتکارات دیپلماتیک در سطح بین الملل، محدودیت ها و بدرفتاری دولت ایران با اقلیت های مذهبی را محکوم کرد. مقامات بلند پایه آمریکا رهایی زندانی های مذهبی را مکررا در مظهر عام تاکید کردند. در ماه ژوئیه، ایالات متحده میزبان نشست وزیران هفت کشور دیگر نیز به منظور اعتلای آزادی مذهب بود. آمریکا هفت کشور دیگر بیانیه ای درباره ایران صادر کردند و گفتند که «ما با نقض آزادی مذاهب از سوی دولت ایران شدیدا مخالف هستیم و از دولت ایران میخواهیم تا تمامی زندانی های مذهبی را رها کرده و اتهامات را که ضد حقوق بشر و آزادی مذاهب است رفع نماید. ما از ایران میخواهیم تا محاکمات مطابق با حقوق بشر عادلانه برپا کند و برای تمام زندانی ها خدمات صحی را مهیا سازد. ما پیروان مذاهب مختلف در ایران را حمایت میکنیم و امید داریم که روزی در فضای صلح بتوانند پیرو دین خود باشند.»

نخست وزیر کشور به تاریخ ۲ اگست در تویتر اعلام کرد که «ایران باید مهرخ کنبری را امروز رها کند. آمریکا از تمامی مذاهب در ایران؛ سنی، صوفی، بهایی، یهودی و عیسوی حمایت می‌کند و آمریکا در کنار پیروان مذاهب همانند مهرخ و کشیش بت تامل از ایستاده است و دستگیری شان را توهین به آزادی مذاهب میدانند.» ایالات متحده آمریکا حقوق گروه های اقلیت مذهبی در کشور را از طریق فعالیت هایش در سازمان ملل متحد حمایت کرد. آمریکا همچنین در مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ماه های نوامبر و دسامبر به نفع قطعنامه‌هایی که در مورد رویه‌های دولت ایران نسبت به حقوق بشر، از جمله تداوم تعقیب اقلیت‌های مذهبی ابراز نگرانی می‌کرد، رأی داد.

از سال ۱۹۹۹ بدینسو، ایران به سبب پرداختن به موارد نقض شنیع آزادی مذهب یا عدم تحمل آن آزادی، طبق قانون آزادی مذهبی مصوب سال ۱۹۹۸، به عنوان یک «کشور موجب نگرانی خاص» (CPC) معرفی شده است. در تاریخ ۱۸ ماه دسامبر، وزیر امور خارجه آمریکا اعلام کرد که ایران بار دیگر یک «کشور موجب نگرانی خاص» شناخته می‌شود و به دلیل آن تشخیص وضعیت سزاوار تحریم‌های زیر است: «تداوم محدودیت‌های جاری مسافرت به سبب تعذبات شدید نسبت به حقوق بشر» بموجب بخش ۲۲۱ (!)(1)(ج) «قانون کاهش تهدید ایران و حقوق بشری سوریه» مصوب سال ۲۰۱۲، بر اساس بخش ۴۰۲ (ج)(۵) آن قانون.»

بخش یک – جمعیت نگاری مذهبی ایران

طبق برآوردهای دولت آمریکا (اعلام شده وسط سال ۲۰۱۹) جمعیت ایران تقریباً ۸۴ میلیون نفر بود. طبق آمار دولت آمریکا، مسلمانان ۹۹.۴ درصد جمعیت ایران را تشکیل می‌دهند که ۹۵ – ۹۰ درصد آنها شیعه و ۱۰-۵ درصد سنی (اکثراً ترکمن‌ها، اعراب، بلوچی‌ها، و گردها) هستند که به ترتیب ساکن شمال خاوری، جنوب باختری، جنوب خاوری و شمال باختری ایران هستند. پناهندگان افغان، مهاجران اقتصادی و افراد بیخانمان نیز جمعیت در خور توجه سنی‌ها را تشکیل می‌دهند اما آمار دقیق در مورد درصد سنی و شیعه اینگونه گروه‌ها موجود نیست. در مورد تعداد مسلمانانی که پیرو تصوف هستند آمار رسمی وجود ندارد، هر چند که تعداد آنها طبق گزارش‌های غیر رسمی تخمیناً به چندین میلیون نفر می‌رسد.

بر بنیاد تخمین‌های دولت آمریکا، گروه‌هایی که کمتر از یک فیصد باقی مانده جمعیت را تشکیل می‌دهند، شامل بهائیان، مسیحیان، کلیمیان، صابئین ماندائی، زرتشتی‌ها، و یارسانی‌ها (اهل حق) هستند. سه اقلیت بزرگ غیرمسلمان، بهائی‌ها، مسیحیان و یارسانی‌ها اند. طبق آمار «دیده بان حقوق بشر»، تعداد بهائیان در ایران دستکم ۳۰۰۰۰۰ نفر است.

«مرکز آمار ایران» گزارش می‌کند که ۱۱۷۷۰۰ مسیحی مقیم ایران هستند، اما برخی برآوردها حاکی است که احتمالاً تعداد مسیحیان ایران بسیار بیشتر از رقم‌هایی است که عملاً گزارش شده است. طبق آمار موجود در «پایگاه دیتابیس جهان مسیحیت» تقریباً ۵۴۷۰۰۰ مسیحی در ایران زندگی می‌کنند. سازمان کلیساهای ایران موسوم به «اعلام» که یک سازمان مسیحی ایرانی است برآورد می‌کند که تعداد مسیحیان امکاناً بین ۳۰۰۰۰۰ و یک میلیون نفر است.

کلیسای آسوری‌ها برآورده کرده است که تعداد مسیحیان آسوری و کلدانی در ایران جمعاً ۷۰۰۰ نفر است. شاخه‌های پروتستان، از جمله گروه‌های انجیلی، نیز در ایران وجود دارند اما اطلاعات موثقی

درباره تعداد آنها در دست نیست. گروه‌های مسیحی خارج از کشور تعداد اعضای جامعه پروتستان را کمتر از ۱۰۰۰۰ نفر برآورد می‌کنند و گروه‌های دیگر مانند «اوپن دورز USA» بالاتر از ۸۰۰۰ تن برآورد می‌کند. اما گفته می‌شود که پروتستان‌ها و نوگرویدگان به آن جامعه شاعر دینی خود را پنهانی ادا می‌کنند.

هیچ شمارش رسمی از یارسانی‌ها موجود نیست اما «خبرگزاری کنشگران حقوق بشر» (هرانا) و «مرکز اسناد حقوق بشر ایران» (CHRI) برآورد می‌کند که شمار یارسانی‌ها حد اکثر دو میلیون نفر است. یارسانی‌ها عمدتاً ساکن لرستان و نواحی کردنشین هستند. اخیراً مسیحیان آرمی که با مسیحیان داخل ایران در ارتباط اند، تعداد آنها را به ۵۰۰۰۰ – ۴۰۰۰۰ تخمین زده است. اما نفوس مسیحیان ایران نسبت به سال ۱۹۷۹ که تعداد آنها به ۳۰۰۰۰۰ تن میرسید، شدیداً کاهش یافته است. تعداد رومن کاتولیک‌ها به ۲۱۰۰۰ برآورد شده است.

طبق گزارش کمیته کلیمیان تهران، تقریباً ۹۰۰۰ کلیمی در ایران زندگی می‌کنند، در حالی که به برآورد یک رسانه بریتانیایی تعداد آنها بین ۱۸۰۰۰ و ۲۰۰۰۰ نفر است. به گزارش گروه‌های زرتشتی و مرکز آمار ایران، تقریباً ۲۵۰۰۰ زرتشتی در ایران زندگی می‌کنند. طبق گزارش کمیته یهودیان تهران، تقریباً ۹۰۰۰ یهودی در ایران زندگی می‌کنند، در حالی که نماینده‌های مجتمع یهودیان در سال ۲۰۱۸ در یک مصاحبه خبری (PBS) تعداد آنها را به ۱۵۰۰۰ نفر برآورد نموده است.

به گزارش یک سازمان غیردولتی بین المللی تعداد صابئین ماندائی بین ۵۰۰۰ و ۱۰۰۰۰ نفر است. طبق آمار ۲۰۱۱، تعداد بی دینان بین سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۱۱ بیست فیصد افزایش یافته است. تحقیقات علمی همچنان نشان می‌دهد که تعداد ملحدین، آگناستیک‌ها، کافرین، و بی دین‌ها در کشور ایران رو به افزایش است. اما این افراد طبق گزارش معافیت بین المللی (AI) خود را علناً معرفی نمی‌کنند چون کسانی که معتقد به الحاد هستند در معرض خطر بازداشت، شکنجه و مجازات اعدام برای "ارتداد" قرار دارند.

بخش دوم – وضعیت حرمت گذاشتن دولت به آزادی مذهبی

چارچوب قانونی

قانون اساسی ایران کشور را یک جمهوری اسلامی می‌شناسد و اسلام تشییع جعفری اثنی عشری را دین رسمی کشور قرار می‌دهد. قانون اساسی همچنین قید می‌کند که قانون مدنی، قانون جزا، و قوانین مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و دیگر قوانین و مقررات کشور باید بر «موازن اسلامی» و تفسیر رسمی شریعت مبتنی باشد. قانون اساسی ایران می‌گوید که همه شهروندان باید از حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی «منطبق بر موازین اسلام» برخوردار باشند. قانون اساسی همچنین می‌گوید که عموماً تفتیش عقاید هر فرد ممنوع است و هیچکس نباید به خاطر دارا بودن اعتقاد خاصی «مورد ایذاء یا مؤاخذه» قرار بگیرد. قانون اساسی ایران شهروندان مسلمان از تغییر یا اعراض باورهای مذهبی‌شان منع می‌کند. یگانه تغییر دین قابل قبول از دیگر ادیان به دین اسلام است. و قانون جزا شامل مفادی درباره ارتداد نیست اما ارتداد از اسلام در قانون شریعت یک جرم سزاوار مرگ محسوب می‌شود که قضات می‌توانند به آن استناد کنند. بموجب قانون، کودکی که در خانواده یک پدر مسلمان به دنیا بیاید مسلمان شناخته می‌شود.

بموجب قانون، غیرمسلمانان نباید درباره دین خود برای عموم صحبت و تبلیغ کنند یا مسلمانان را به گرویدن به دین خود ترغیب نمایند. اینگونه فعالیت‌ها تبلیغ دینی محسوب می‌شود و مجازات مرگ دارد. به علاوه، شهروندانی که مسیحی، زرتشتی یا کلیمی شناخته نمی‌شوند نمیتوانند در ملاءعام به ابراز عقاید دینی خود، مانند عبادت در کلیسا، پردازند یا نمادهای مذهبی مانند صلیب روی لباس خود داشته باشند. برای خارجیانی که به گروه‌های مذهبی ناشناخته تعلق دارند استثناءهایی قائل می‌شوند. قانون جزا تعریف می‌کند که محاربه (ضدیت با خدا یا جنگیدن علیه خدا) است. «فرهنگ اسلام آکسفورد» برای انگیزی زبانان توضیح داده که عبارت «مفسد فی الارض» که از قرآن نقل شده به این معنا است: «شرایط فساد ایجاد شده توسط کافران یا ستمگران که رفاه اجتماعی سیاسی را به خطر می‌اندازند.» و صب‌النبی («اهانت به پیامبران» یا «اهانت به مقدسات») کیفر اعدام دارد. قانون جزا می‌گوید میزان محکومیت اعدام، بسته به مذهب هم عامل جرم و هم قربانی جرم، تفاوت می‌کند.

قانون اساسی می‌گوید دیگر مکاتب اسلام سنی (حنفی، شافعی، ملکی، حنبلی) و شیعه زیدی باید «مورد احترام کامل» قرار گیرند و پیروان آنها آزادانه به ادای مناسک مذهبی خود پردازند. قانون اساسی می‌گوید آن پنج مکتب میتوانند در موضوعات تعلیم دین و برخی امور شخصی، از جمله ازدواج، طلاق و وراثت به فقه خود اتکا کنند.

قانون اساسی می‌گوید زرتشتیان، کلیمیان، و مسیحیان تنها اقلیت‌های مذهبی به رسمیت شناخته شده هستند و اجازه دارند «در محدوده قانون» مناسک و شعائر مذهبی خود را برگزار کنند و جوامع مذهبی تشکیل بدهند. آنها همچنین آزاد هستند که امور شخصی و تعلیمات دینی را مطابق قوانین مذهبی خود انجام دهند. هر شهروندی که عضو ثبت نام شده یکی از این سه گروه نباشد یا نتواند ثابت کند که پیش از انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ او یا خانواده‌اش مسیحی بوده، مسلمان به شمار می‌آید.

به سبب آنکه قانون شهروندان را از شرک و گرویدن به مذهبی غیر از اسلام منع می‌کند دولت تنها آن مسیحیانی را شهروند ایران می‌شناسد که مسیحی ارمنی یا آسوری باشند (که این گروه‌ها پیش از اسلام ساکن ایران بوده اند) و نیز بتوانند ثابت کنند که پیش از انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ آنها یا خانواده‌هایشان مسیحی بودند. دولت همچنین گروه صابئین ماندائی را مسیحی می‌شناسد حتی با این وجود که صابئین ماندائی می‌گویند خود را مسیحی نمی‌شناسند. دولت ایران غالباً یارسانی‌ها را مسلمان شیعی به شمار می‌آورد که به تصوف گرایش دارند. یارسان از دیدگاه یارسانی‌ها یک کیش مشخص (معروف به اهل حق یا کاکائی) به شمار می‌آید. با آنهم یارسانی‌ها خود را به نام شیعه ثبت نام میکنند تا از خدمات دولت مستفید گردند. دولت پروتستان‌های انجیلی را مسیحی نمی‌شناسد.

شهروندانی که وابسته به یکی از اقلیت‌های مذهبی به رسمیت شناخته شده باشد، باید خود را نزد مقامات ثبت کنند. ثبت نام اقلیت‌های مذهبی پاره‌ای حقوق، از جمله حق استفاده از نوشابه الکلی برای مقاصد مذهبی را، تأمین می‌کند. کوتاهی کلیساروندگان از ثبت نام و حضور افراد ثبت نام نشده در کلیسا ممکن است موجب تعطیل کلیسا و بازداشت رهبران آن توسط مقامات شود. قانون کسانی را که نوکیش مسیحی باشند مسیحی نمی‌شناسد؛ آنها نمیتوانند ثبت نام کنند و نمیتوانند از حقوقی که برای اعضای شناخته شده جوامع مسیحی در نظر گرفته شده برخوردار شوند.

رهبر معظم ناظر بر دادگاه‌های ویژه مذهبی اما فراقضائی بوده که در قانون اساسی پیش‌بینی نشده است. این دادگاه‌ها به ریاست یک روحانی شیعه، خارج از نظارت قوه قضائیه عمل می‌کنند و موظف هستند درباره خلاف‌های منتسب به روحانیون، از جمله اظهارات سیاسی آنها که مغایر سیاست دولت باشد و نیز درباره فعالیت‌های غیرمذهبی تحقیق کنند و بر اساس تفسیر مستقلانه منابع قضائی اسلامی حکم صادر کنند.

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و وزارت اطلاعات و امنیت فعالیت‌های مذهبی را در کشور زیر نظر دارند. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز کلیساها را زیر مراقبت قرار می‌دهند.

قانون اساسی آزادی مطبوعات را جز «در مواردی که برای اصول اساسی اسلام و حقوق عامه زیانبار» باشد پیش‌بینی کرده است.

وزارت آموزش و پرورش برنامه تدریس شریعت در مدارس عمومی را تعیین می‌کند. برنامه‌های درسی در همه مدارس اعم از خصوصی و عامه باید شامل یک دوره تعلیم اسلامی شیعی باشد و همه دانش‌آموزان باید این دوره را بگذرانند تا بتواند به سطح بالاتر ارتقاء یابد و وارد دانشگاه شوند. محصلان سنی و محصلان از گروه‌های اقلیت مذهبی به رسمیت شناخته شده نیز باید دوره‌های مربوط به تشییع بگذرانند اما می‌توانند علاوه بر آن، دوره‌های جداگانه مربوط به مذهب خود را نیز طی کنند.

گروه‌های اقلیت مذهبی به رسمیت شناخته شده به استثنای اهل تسنن می‌توانند مدارس خصوصی دائر کنند. وزارت آموزش و پرورش بر مدارس خصوصی دائر شده توسط گروه‌های اقلیت مذهبی به رسمیت شناخته شده نظارت می‌کند و در مورد برنامه درسی آنها الزامات خاصی وضع می‌کند. وزارت آموزش و پرورش باید تمام کتاب‌های درسی مورد استفاده در دوره‌های تدریس، از جمله متون مذهبی را تأیید کند. این مدارس می‌توانند تعلیمات دینی را به زبان‌هایی غیر از فارسی ارائه کنند اما مقامات باید آن متون را نیز تأیید کنند. جوامع اقلیت باید هزینه ترجمه را برای این الزام تحمل کنند تا مقامات بتوانند آنها را بررسی کنند. مدیران اینگونه مدارس خصوصی، چه مسلمان و چه پیرو هر مذهب دیگر، باید نسبت به مذهب رسمی کشور ابراز وفاداری کنند. این الزام، «گزینش» خوانده می‌شود و به مثابه ارزیابی برای تشخیص وفاداری نسبت به مرام دولت و نظام و نیز آگاهی از تعبیر دولت از اسلام شیعه است.

طبق قانون، بهائیان از بنیانگذاری نهادهای تحصیلی خود منع شده اند. طبق دستور وزارت علوم، پژوهش و فناوری، دانشگاه‌ها ملزم هستند از دسترسی بهائیان به تحصیلات عالی ممانعت کنند یا اگر ثبت نام شده اند پس از معلوم شدن وابستگی مذهبی‌شان اخراج شوند. مقررات دولت می‌گوید بهائیان تنها در صورتی به تعلیمات عالی دست می‌یابند که خود را بهائی معرفی نکنند. برای ثبت نام در امتحانات ورود به دانشگاه این است که دانشجو در پاسخ به یک پرسش انتخابی خود را پیرو مذهبی غیر از بهائی (مانند مسلمان، مسیحی، کلیمی یا زرتشتی) اعلام کنند. داوطلبان باید امتحان شریعت اسلامی، مسیحی یا یهودی بر مبنای وابستگی مذهبی رسمی خود بگذرانند.

طبق قانون اساسی، علمای اسلامی عضو مجلس خبرگان که ۸۶ تن از آنان با آراء مردم انتخاب و توسط رهبر معظم تصدیق میشوند و باید خصائلشان شامل تقوا و فقاهاست باشد، رهبر معظم را به عنوان رهبر انتخاب کنند. قانون اساسی حکم می‌کند که برای «حراست» از فرامین اسلامی و بررسی سازگاری قوانین

مصوب مجلس شورا با شرع و قانون اساسی، باید یک شورای نگهبان متشکل از شش فقیه شیعه برگزیده از سوی رهبر عالیقدر و شش فقیه حقوقدان شیعه که توسط قوه قضائیه نامزد می‌شوند تشکیل شود. شورای نگهبان همچنین باید صلاحیت همه نامزدان شورای خبرگان، مقام ریاست جمهوری، اعضای مجلس شورا را بررسی کند و بر انتخابات آن نهادها نظارت کند.

قانون اساسی، مجلس شورا را از تصویب قوانین متناقض با اسلام منع ساخته و بیان می‌دارد که در ماده‌های وابسته به "مشخصه اسلامی" نظام سیاسی یا حقوقی، و یا در خصوص این که اسلام شیعه جعفری اثنا عشری مذهب رسمی است، هیچ تعدیلی جواز ندارد.

غیرمسلمانان نمی‌توانند به عضویت یک نهاد نمایندگی انتخاب شوند یا در دولت یا تشکیلات نظامی کشور مقام ارشد احراز کنند به استثنای پنج کرسی از ۲۹۰ کرسی مجلس که طبق قانون اساسی برای اقلیت‌های مذهبی در نظر گرفته شده است. دو کرسی در مجلس برای مسیحیان ارمنی و یک کرسی برای هر یک از سه گروه اقلیت دیگر یعنی مسیحیان آسوری، کلیمیان، و زرتشتیان اختصاص یافته است.

قانون اساسی می‌گوید در مناطقی که پیروان یکی از پنج مکتب به رسمیت شناخته شده تسنن اکثریت داشته باشند مقررات محل باید در محدوده صلاحیت شوراهای محلی با آن مکتب تطابق داشته باشد بدون اینکه حقوق پیروان دیگر مکاتب را ضایع کند.

بموجب قانون اساسی، قاضی باید مطابق قانون مدون در یک پرونده رأی بدهد اما در وضعیتی که چنین قانونی وجود نداشته باشد قاضی باید قضاوت خود را بر اساس «منابع اسلامی موثق یا فتوای واقعی» مبتنی سازد.

قانون اساسی قید می‌کند که دولت و همه مسلمانان «مکلف» هستند که با غیرمسلمانان مطابق اصول عدل و عرف اسلامی رفتار کنند و حقوق انسانی آنها را مادامی که غیرمسلمانان از «پرداختن به توطئه و فعالیت» علیه اسلام و جمهوری اسلام اجتناب می‌ورزند مراعات کنند.

قانون، اخذ دیه یا «خونبهای» مرگ، جراحت جسمی و زیان مالی مسلمانان و اقلیت‌های مذهبی شناخته شده را مجاز می‌سازد. خانواده‌های بهائیان حق دریافت دیه ندارند. قانون همچنین مبلغ دیه اقلیت‌های مذهبی شناخته شده و نیز دیه یک زن را نصف دیه یک مرد مسلمان تعیین کرده است. زن تنها در دعوی‌های بیمه مانند حادثه ترافیکی مستحق دیه مکمل می‌باشد اما در صورت مرگ چون قتل نصف دیه یک مرد مسلمان را دریافت می‌کند. طبق قانون در قضایای چون جراحت جسمی، (مثلاً بیضه‌های یک مرد) بیشتر از تمام بدن یک زن ارزش دارد.

طبق قانون، غیرمسلمانان نباید در قوه قضائیه، نهادهای امنیتی (سوی نیروهای مسلح منظم) عضویت داشته باشند یا مدیریت مدارس عمومی را به عهده بگیرند. صلاحیت نامزدان احراز مناصب منتخب و متقاضیان استخدام در بخش عمومی بر اساس پیروی از اسلام و معلوماتشان درباره اسلام و وفاداری نسبت به جمهوری اسلامی (از شرایط «گزینش») توسط مقامات بررسی می‌شود، هر چند که پیروان مذاهب اقلیت رسمی، به استثناء بهائیان، به شرط احراز الزامات «گزینش» می‌توانند در رده‌های پایین‌تر دولت خدمت کنند. کارمندان دولت که اصول و مقررات اسلامی را مراعات نکنند مجازات می‌شوند و ممکن است از اشتغال در یک بخش خاص منع شوند.

بهائیان از اشتغال در همه دستگاه های دولت نظامی منع می شوند و اجازه نمی یابند در نظام تقاعد اجتماعی کشور مشارکت یابند. بهائیان نمی توانند بابت صدمه یا جرائمی که علیه آنها ارتکاب می شود خسارت بگیرند و نمی توانند مال به ارث ببرند. بموجب یک فتوا از سوی رهبر معظم، شهروندان تشویق می شوند که از هر گونه معامله یا سر و کار داشتن با بهائیان اجتناب کنند.

دولت ازدواج و طلاق بهائیان را به رسمیت نمی شناسد اما اجازه می دهد. استنهاد مدنی آن ها به مثابه سند عادی ازدواج تلقی می شود ولی در اختلافات زناشویی ملاک قانونی محسوب نشود.

گروه های مذهبی شناخته شده قباله های ازدواج را منطبق با قوانین مذهبی خودشان صادر می کنند.

قانون اساسی تشکیل احزاب سیاسی بر مبنای اسلام یا یکی از مذاهب رسمی اقلیت را بطور مشروط مجاز می سازد، از جمله به این شرط که آن احزاب «موازن اسلام» را نقض نکنند. قانون اساسی می گوید نهادهای نظامی باید اسلامی و متعهد به آرمان های اسلام باشند و باید افرادی را به خدمت بگیرند که به اهداف انقلاب اسلامی پایبند هستند. علاوه بر ارتش عادی، یک سپاه پاسداران انقلاب نیز وجود دارد که وظیفه اش حفظ ماهیت اسلامی انقلاب در داخل و خارج کشور است. قانون، اعضای اقلیت های مذهبی را از خدمت و وظیفه عمومی معاف نمی سازد. قانون، غیرمسلمانان را از داشتن درجاتی که آنها را بالا دست مسلمانان در نیروهای مسلح ایران قرار بدهد منع می کند. اعضای اقلیت های مذهبی تحت حمایت قانون که تحصیلات دانشگاهی داشته اند می توانند در دوره ای که مکلف به انجام خدمت نظام و وظیفه هستند با درجه افسری خدمت کنند اما نمی توانند پس از پایان خدمت و وظیفه اجباری به عنوان افسر حرفه ای به خدمت در ارتش ادامه دهند.

ایران به میثاق بین المللی حقوق سیاسی و مدنی پیوسته است اما ضمن تصویب تقنینی آن یک شرط کلی بر آن افزوده که «هیچیک از مفاد میثاق نباید با قوانین اسلامی و قوانین بین المللی جاری ناسازگار باشد.»

اقدامات دولت

طبق گزارش های فراوان سازمان های غیردولتی حامی حقوق بشر بین الملل، دولت ایران دگراندیشان، اصلاح طلبان سیاسی و معترضان مسالمت جو را به اتهام محاربه و تبلیغات ضد اسلامی محکوم و اعدام می کرد. رحمن گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در امور حقوق بشر جمهوری اسلامی ایران از استفاده زور مفرط دولت در مقابل معترضان تظاهرات ماه نوامبرد ایالت های کی اکثریت نفوش شان را اقلیت ها تشکیل می دهد، ابراز نگرانی نمود. گزارش ها آمار بیشتری مرگ ها را در این ولایتها نشان میداد. حد اقل ۸۴ تن کشته در خوزستان (غالباً اعراب سنی) و ۵۲ تن کشته در کرمان شاه (غالباً کرد ها). ایران وایر با استناد از مقام خوزستانی که نامش برده نشده است، به تاریخ ۱۷ دسامبر گزارش کرد که تعداد کل تلفات معترضین در ماهشهر که یک شهر بزرگ و اقامتگاه اعراب اهوازی در منطقه میباشد، در بیش ۵ روز ۱۴۸ نفر بوده است.

به تاریخ اول دسامبر، نیویارک تایمز گزارش کرد که سپاه پاسداران ایران دست کم ۱۰۰ نفر را که اکثر شان اعراب سنی بودند در یک روز در ماهشهر با ضرب گلوله کشت. گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد همچنان گزارش کرد که مقامات تعداد زیاد فعالان اقلیت نژادی را از جمله کرد ها و ترک آذربایجانی ها بازداشت نمود و به شمول ۱۰ نفر بهایی های که به تاریخ ۲۹ و ۳۰ نوامبر دستگیر گردیده بودند.

طبق گزارش سازمان عفو بین‌الملل، مقامات دو زندانی اعراب سنی اهوازی، عبدالله کرم الله چاب و قاسم عبدالله، را به تاریخ ۴ آگست بعد از محکومیت به اتهام «محاربه علیه خدا» در رابطه با حمله مسلحانه به یک مراسم مذهبی شیعیه ها در صفی آباد، در زندان فجر اعدام کردند. اتهامات و اعدام ادامه یافت با وجودیکه سازمان عفو بین‌الملل و دیگر سازمان های حقوق بشر غیر دولتی نگرانی نشان داده و گفته های این اشخاص را به دلیل توسل به شکنجه، اخذ اعترافات جبری، و محروم ساختن آنها از دسترسی به کمک وکیل خواندند.

به تاریخ ۲۳ مه، سازمان غیر دولتی حقوق بشر ایران گزارش کرد که مقامات مهدی چراغی را به اتهام «دشمنی با خدا» در رابطه با سرقت مغازه زیورات در آپریل ۲۰۱۵، به دایر آویختند.

طبق گزارش، مقامات مهدی چراغی را در جریان ماه رمضان در مظهر عام شهر همدان به دار آویختند. حقوق بشر ایران همچنان گزارش کرد که مقامات دو زندانی دیگر حسین روشن و محسن کنانی را به اتهام «دشمنی با خدا» به تاریخ ۲ اکتبر در زندان رجای شهر در کراج اعدام کردند. در اصل مقامات این دو زندانی را به اتهام دزدی مسلحانه بازداشت نموده بود.

ساکنان استان هایی که دارای جمعیت بزرگ سنی هستند، مانند کردستان، خوزستان، سیستان و بلوچستان، کماکان گزارش می‌کردند که مقامات قضایی و افراد نیروهای امنیتی به سرکوب مردم از جمله قتل‌های فراقانونی، بازداشت‌های خودسرانه و شکنجه در حبس و نیز تبعیض، از جمله سرکوب حقوق مذهبی، فقدان خدمات اساسی دولت و در نظر گرفتن بودجه ناکافی برای طرح‌های زیربنایی ادامه دادند. حقوق بشر ایران و دیگر فعالان حقوق بشر از فزونی تعداد نامتعارف اعدام زندانیان مخصوصا کرد ها بلوچ ها و اعراب گزارش نمودند. رسانه های بین المللی به تاریخ ۲۷ مه گزارش دادند که پلیس در سیستان و بلوچستان یک جوانی بلوچ سنی را پس از آنکه وی به دستور «توقف» از تعقیب پلیس به دلیل نداشتن گواهی نامه گوش نداد، با ضرب گلوله به قتل رساند. بعد از مرگ وی، اعتراضاتی در دفتر فرمانداری مرکز استان زاهدان آغاز شد؛ مقامات حدود 30 معترض را دستگیر کرد. گزارش های رسانه ای رابطه پرتنش میان جمعیت سنی بلوچ و مقامات شیعه را نشان داد.

سازمان عفو بین‌الملل به تاریخ ۲۶ جون گزارش کرد که یک عرب سنی اهواز، بنیامین البوغبیش، به تاریخ ۲۶ مه بازداشت شده بود و به دلیل شرایط نامناسب در زندانی که توسط گروه پاسداران ایران در خوزستان اهواز کنترل می‌شود، جان خود را از دست داد. مادر و برادر البوغبیش با وی یکجا بازداشت شدند و تا آخر سال در زندان باقی ماندند. مامورین استخبارات به تاریخ ۲۶ جون فامیل وی را از مرگش اطلاع دادند. سازمان عفو بین‌الملل از اینکه البوغبیش شکنجه شده باشد ابراز نگرانی کرد. و از مقامات خواست تا مرگ البوغبیش را سریعا به شکل عادلانه بررسی نماید و مخالفین را جوابگو قرار دهد.

طبق سازمان عفو بین‌المللی و «آژانس خبری فعالان حقوق بشر» (HRANA) مقامات بعد از بازداشت یک آواز خوان کردی، پیمان میرزا زاده، را به دو سال زندان محکوم کرد و او را به جرم صلب‌النبی «اهانت به پیامبر» ۸۰ شلاق و به جرم نوشیدن الکل ۲۰ شلاق زد. سازمان عفو بین‌الملل گفت که به سبب تازیانها میرزا زاده «در حالت درد شدید قرار دارد، پاها و کمرش تورم نموده است.» سازمان های غیر دولتی حقوق بشر از جمله (CHRI)، «آژانس خبری فعالان حقوق بشر» (HRANA)، و ویسایت رسمی صوفی درویش های گنابادی «مجبویان نور» در طول سال از شرایط بسیار بد در

زندان قرچک برای زنان گزارش کرده است، در گزارش ها آمده است که نگهبانان شیعه به طور معمول زندانیان گنابادی صوفی را مورد بدرفتاری، مانند تشویق سایر زندانیان به سوء استفاده جسمی از آنها قرار میدهد. مرکز اسناد حقوق بشر ایران (CHRI) در ماه جنوری گزارش کرد که مقامات الهام احمدی یک زندانی صوفی گنابادی در ایران را به دلیل اینکه از محرومیت خدمات صحتی و وضعیت نامناسب زندان صحبت کرده بود به ۱۴۸ شلاق اضافی محکوم کرد. قرار گزارش ها او گفته بود که یک زندانی دیگر صوفی گنابادی، شهناز کیانسل، از خدمات صحتی متسفی نگر دیده بود.

در گزارش ماه ژوئیه خود به مجمع عمومی سازمان ملل، گزارشگر ویژه سازمان ملل در مورد وضعیت حقوق بشر ایران درباره پرونده احمدی و سایر صوفیان گنابادی در زندان قرچک اظهار نظر کرد. براساس این گزارش، "گزارشگر ویژه از وضعیت درویش های گنابادی که از اعتراضات سال ۲۰۱۸ بدینسو بدون دسترسی به وکلای خود در زندان قرچک به سر میبرند به شمول ۱۰ زنی که به ۵ سال زندان محکوم اند، شدیداً نگران است.

«مرکز اسناد حقوق بشر ایران» (CHRI) و گزارشگر ویژه سازمان ملل گزارش دادند که در ماه آوریل، طبق گفته های یک منبع نامشخص، یک زندانی سیما انتظاری، یکی از زندانیان گنابادی صوفی در زندان قرچک، را مورد ضرب و شتم قرار داد پس از آنکه مقامات زندان به مهاجم وعده دادند در صورت حمله به سیما انتظاری قضیه وی را مورد بررسی قرار خواهد دادند. و آنها به مهاجم همچنان وعده کرده بودند که در اگر به درویش صوفی ها حمله کند، درخواست وی را برای آزادی مشروط در نظر بگیرند.

گزارشگر ویژه سازمان ملل همچنین گزارش داد که مقامات انتساری و چهار زندانی دیگر صوفی گنابادی را که به جرم اتهامات تهدید امنیت ملی محکوم شده بودند با زندانیان محکوم به اتهامات مربوط به مواد مخدر، سرقت و جرایم اجتماعی بر خلاف مقررات زندان در یک بخش زندان قرار داده اند.

سازمان های غیردولتی حقوق بشر همچنین از شرایط نامناسب زندان و بدرفتاری با اقلیت های مذهبی در زندان های بزرگ تهران خبر دادند. در 28 ژانویه، مرکز اسناد حقوق بشر ایران (CHRI) گزارش داد که دو زندانی صوفی درویش گنابادی - حسن شاه رضا و وحید خاموشی - پس از آنکه پلیس در اعتراضات ۲۰۱۸ بالای شان شلیک کرد زخم برداشتن اما از تداوی جراحت هایشان محروم گشتند. طبق گزارش های مرکز اسناد حقوق بشر ایران (CHRI)، ۲۰۰ ساچمه مرمی بر بدن شاه رضا اصابت نموده بود که باعث عفونت بدن وی گردیده بود. خاموشی علاوه بر زخم های ساچمه مرمی، مچ پا شکسته داشت. مقامات CHRI گزارش کردند که مقامات هر دو مرد دسترسی به مراقبت های پزشکی را رد کردند. مرکز اسناد حقوق بشر ایران (CHRI) گزارش کرد که مقامات هر دو مرد را از مراقبت صحتی محروم کرد.

مرکز اسناد حقوق بشر ایران (CHRI) گزارش کرد که میترا بدرنجات، یک زن بهائی که در مارس 2018 در اثر یورش ماموران امنیتی به خانه اش، دستگیر شد، حکم یک سال حبس خود را در 22 سپتامبر آغاز کرد.

دادگاه انقلابی اهواز، بدرنجات را به اتهام "عضویت در سازمان بهائی" و "تبلیغ علیه دولت"، به ۵ سال زندان و دو سال تبعید محکوم کرد. پس از تجدید نظر، این حکم به یک سال کاهش یافت. به گفته پسرش، مقامات به مدت ۵۰ روز بدرنجات را در سلول انفرادی در بازداشتگاه وزارت امنیت و در زندان سپیدار

اهواز نگه داشتند. پسرش همچنین گفت که مقامات در جریان بازجویی چشم‌های مادرش را بسته بودند و در معرض تهدیدها و انواع دیگر سوء استفاده روانی قرار دادند.

به گفته فعالان حقوق بشر، دولت با دستگیری‌های خودسرانه، سوء استفاده جسمی و سایر انواع رفتارهای سخت، مسیحیانی را که از اسلام گرویده بودند، مکرراً مورد هدف قرار داد. محبت نیوز گزارش داد که در 23 ژانویه، هشت افسر امنیتی به خانه اصفهان یک گرویده به مسیحیت، سینا مولودیان، حمله کردند سپس او را دستگیر و مورد ضرب و شتم قرار دادند تا جاییکه علائم کبودی در صورت وی به جا ماند.

مأموران همچنین تلفن‌های همراه، رایانه‌ها، کتاب مقدس و سایر مواد مذهبی را مصادره کردند. مقامات تأکید کردند که ماه‌ها قبل از دستگیری، مولودیان را تحت نظر داشتند. وی در تاریخ ۴ فوریه با وثیقه آزاد شد.

در 7 فوریه، «آژانس خبری فعالان حقوق بشر» (HRANA) گزارش داد که مأمورین نیروهای ویژه چندین زندانی اهل سنت را در زندان رجایی شهر کتک زدند. طبق «آژانس خبری فعالان حقوق بشر» (HRANA)، این ضرب و شتم قصدگیری از امام اهل سنت، توحید قریشی، بود چون او از حضور یافتن در جلسه دادگاه خودداری نموده بود. قریشی، حمزه درویش، مریوان کارکوکی و نامق دلدل از جمله زندانیان اهل سنت بودند که به سبب ضرب و شتم‌ها شدیداً مجروح گردیده بودند.

در 12 فوریه، یک سازمان غیردولتی بلوچ گزارش کرد که مأموران امنیتی در شهر ایرانشهر در استان سیستان و بلوچستان مرد جوان بلوچی به نام داوود زهروزه را در حالیکه در عراده اش نفت انتقال میداد، با ضرب گلوله به قتل رساندند.

«آژانس خبری فعالان حقوق بشر» (HRANA) گزارش کرد که در ۹ فوریه یک مرد بلوچ بنام محمد کرد توسط نیروهای امنیتی بدون هشدار قبلی در حالیکه سوخت را برای فروش انتقال میداد، با ضرب گلوله به قتل رسید. این یک فعالیت رایج در آن منطقه است در حالیکه دولت آن را قاچاق دانست.

طبق فعالان حقوق بشر، بلوچی‌ها هم به سبب سنی بودن و هم به سبب تعلق به یک گروه اقلیت قومی مورد تبعیض دولت قرار گرفته شده بودند. کنشگران حقوق بلوچی‌ها کماکان مورد بازداشت‌های خودسرانه، بدرفتاری بدنی و محاکمات غیر عادلانه ژورنالیست‌ها و کنشگران حقوق بشری قرار می‌گرفتند. کنشگران حقوق بشری بلوچی گزارش می‌کردند که مقامات اعضای خانواده‌های زندانیان را غالباً زیر فشار قرار میدادند تا زندانیان ساکت بمانند.

دولت به محبوس ساختن شمار زیادی زندانی به اتهامات مختلف مربوط به مذهب ادامه داد. به گزارش «اتلس زندان‌های ایران، یک پایگاه داده‌های مربوط به زندانیان سیاسی که توسط یک سازمان غیردولتی مستقر در آمریکا موسوم به «اتحاد برای ایران» تألیف شده، دست‌کم ۱۰۹ عضو گروه‌های اقلیت مذهبی به دلیل ادای شعائر مذاهب اقلیت کماکان در زندان به سر می‌برند. مجموع تعداد زندانیان مذکور در آن پایگاه داده‌ها دست‌کم ۱۰۳ نفر به اتهام محاربه، ۴۹ نفر به اتهام «اهانت به هبر عالیقدر و آیت‌الله خمینی»، ۱۵ نفر به اتهام «توهین به پیامبر یا اسلام»، ۱۵ نفر به اتهام «مفسد فی الارض»

بودن در زندان به سر می‌بردند. «فرهنگ اسلام آکسفورد» برای انگیزی زبانان توضیح داده که عبارت «مفسد فی الارض» که از قرآن نقل شده به این معنا است: «شرایط فساد ایجاد شده توسط کافران یا ستمگران که رفاه اجتماعی سیاسی را به خطر می‌اندازند.» حداقل 10 نفر به اتهام پیوستن با گروه‌هایی که علیه دولت اسلحه می‌گیرند دستگیر شدند. این گروه‌ها ("باغی") یاد می‌کردند که مقامات در سالهای اخیر به جای "دشمنی با خدا" از آن استفاده کرده‌اند.

نور علی تابنده، رهبر روحانی ۹۲ ساله صوفی‌های گنابادی، پس از تقریباً دو سال بازداشت خانگی و محرومیت از مراقبت فوری صحتی به ۲۴ دسامبر درگذشت. وی در نتیجه اعتراضات سال ۲۰۱۸ در تهران بازداشت خانگی گردیده بود. براساس وب‌سایت مجذوبان نور، از ماه مارس، حدود ۱۱۰ درویش در شرایط غیر انسانی در زندان‌های بزرگ تهران و زندان قرچک زندانی شده‌اند. «مرکز اسناد حقوق بشر ایران» (CHRI) در مارچ گزارشی را ارائه نمود که در آن از زندانی ساختن گروهی ۲۳ درویش صوفی گنابادی ذکر گردیده بود. این درویش‌ها به اتهام‌های «گردهمایی و سازش علیه امنیت ملی» «نافرمانی از پلیس» و «برهم زدن نظم عامه» از ۶ تا ۲۶ سال زندان، ۷۴ ضربه شلاق، ۲ سال تبعید، دو سال ممنوعیت از رسانه‌ها اجتماعی و مصاحبه‌ها و بلاخره ممنوعیت دو سال سفر به کشور‌های دیگر محکوم گردیده‌اند. براساس گزارش ماه نوامبر «مرکز اسناد حقوق بشر ایران» (CHRI)، مراکز مذهبی گنابادی صوفی در پی اعتراضات سال ۲۰۱۸ مسدود گردیدند. در ماه ژوئیه، گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران به مجمع عمومی سازمان ملل گزارش کرد که بتاريخ ۱۳ مارس امیر نوری، یک عضو درویش‌های گنابادی، به اتهام «سازش علیه امنیت داخلی کشور و برهم زدن نظم عمومی» به ۵ سال زندان محکوم گردید. نوری در اعتراضات سال ۲۰۱۸، هنگامی که مقامات او را دستگیر کردند، انگشت خود را از دست داد.

همچنان گزارش‌ها از بازداشت و آزار و اذیت روحانیون و جماعات اهل سنت ادامه داشت. در ژانویه، «ایران وایر» گزارش داد که مأمورین امنیتی دست کم سه دانشجوی و روحانی حوزه علمیه اهل سنت را که از استان سیستان و بلوچستان به مشهد سفر کرده بودند، بازداشت و تهدید کردند و ورود آنها به حوزه‌های علمی و مساجد اهل سنت را ممنوع اعلام کرد. به همین ترتیب، براساس همین گزارش، مأموران اطلاعاتی گروه دیگری از دانشجویان حوزه علمیه اهل سنت را که در حال مسافرت از استان زاهدان، سیستان و بلوچستان به خواف بودند، در استان خراسان بازداشت کردند. مأموران تلفن‌ها، نوت بوک‌ها و اتومبیل‌های آنها را بازرسی کرده و آنها را به بازگشت به زاهدان مجبور کردند.

«آژانس خبری فعالان حقوق بشر» (HRANA) در سپتامبر گزارش کرد که دولت مولوی توحید قریشی، روحانی پیشوای سنی کشور را به اتهام به ۱۶ سال زندان محکوم کرد. قریشی، امام سابق نماز جمعه در مسجد امام شفیعی در تالش، ابتدا در آوریل ۲۰۱۴ دستگیر شد و به تازه‌گی یک حکم ۵ ساله را به اتمام رسانیده بود. این حکم ۱۶ ساله به اتهام "تجمع و تبانی علیه امنیت ملی (۱۰ سال)"، "حمایت از گروه‌های مخالف" (۵ سال) و "تبلیغ علیه دولت" (یک سال) صورت گرفته است.

ایران وایر از دستگیری چندین بهایی در اواخر ماه نوامبر خبر داد، و خاطر نشان کرد که دلایل این دستگیری‌ها مشخص نیست، اما به نظر می‌رسد این دستگیری‌ها براساس ادعاهای است که گفته می‌شود بهائی‌ها اعتراضات سراسر کشور را رهبری کرده‌اند. به تاریخ ۲۷ و ۲۹ نوامبر، مأمورین امنیتی در بهارستان، شهر ماهواره ای اصفهان، دست کم ده بهایی - سروش آزادی، شهاب فردوسیان، نسیم

جابری ، مهرا ن الله دادی، شهپاز باشی ، وحید نیاز مند ، ناصر لطفی ، قدس لطفی ، ساغر منوچهرزاده و هما منوچهرزاده - را دستگیر کردند و آنها را به مکانی نامعلوم بردند.

بعد از نماز جمعه، ساکنان بهارستان لوحه هایی را نصب کردند و خواستار دستگیری بهائیان و معترضین شدند. در تاریخ 30 نوامبر، یک برنامه رسانه های اجتماعی، تلگراف، گزارش داد که دستگیرشدگان در بهارستان بهائینی بودند که در نآرامی ها دخیل بودند و بدترین مجازات برای آنها خواستار شدند.

فعالان و سازمان های غیردولتی گزارش دادند که فعالان یارسانی و رهبران جامعه یارسانی ها به دلیل مشارکت در آگاهی رسانی در مورد اقدامات دولت یا تبعیض علیه جامعه یارسانی، در معرض بازداشت یا ناپدید شدن قرار دارند.

طبق گزارش بین المللی بهائی مستقر در ژنو و گزارش ژوئن گزارشگر ویژه سازمان ملل، بیش از ۴۹ بهایی در زندان به سر میبرند. به گفته «جامعه بین المللی بهائیان» (BIC)، شهروندان بهائی به طور خودسرانه بازداشت شدند، و بعداً به دلیل ایمان و هویت مذهبی شان به مجازات های سخت محکوم شدند. طبق گزارش ایران وایر، بین مارس و اکتبر ، از اوایل انتصاب رئیس جدید دادگستری، احضارها ، بازداشت ها و محاکمات بهائیان از سوی مقامات افزایش یافت. بر اساس این گزارش ، در این دوره شش ماهه ، حداقل ۶۵ بهائی محاکمه شدند.

بر اساس گزارش رسانه ها و سازمان های غیر دولتی، بهائیان همچنان با اتهاماتی چون "توهین به مقدسات مذهبی" ، "فساد در زمین" ، "تبلیغات علیه سیستم" ، "جاسوسی و همکاری با نهادهای خارجی" و "اقدامات علیه امنیت ملی" روبرو بودند. اتهامات همچنان شامل دست داشتن در «مؤسسه بهائی آموزش عالی» (BIHE) میشد که یک مؤسسه تحصیلات دانشگاهی بود و از نظر دولت غیرقانونی محسوب میشد. به گفته «جامعه بین المللی بهائیان»، مقامات در بسیاری موارد در ارتباط با حملاتشان به خانه های بهائیان بعضی ها را بازداشت میکردند و اموال شخصی آنها، بویژه کتب و نوشته های مذهبی آنها را توقیف میکردند.

هرانا ، ایران وایر ، و «دیده بان مطبوعات ایران» (IPW) گزارش دادند که در تاریخ ۳۰ آوریل ، مأمورین ماسک پوش وزارت اطلاعات ، سه بهایی را در سمنان - اردشیر فناپیان ، بهنام اسکندریان و یلدا فیروزیان - بعد از تلاشی خانه های شان دستگیر کردند. بر اساس گزارش ها ، این سه نفر ابتدا در مکانی نامعلوم و بدون حق دسترسی به وکیل نگه داشته شده و به "تبلیغات علیه رژیم" متهم شدند. بر اساس گزارش اکتبر ایران وایر، این سه نفر در زندان مرکزی سمنان نگهداری شدند و قاضی این پرونده علی رغم آنکه سه ماه قبل بازجویی آنها تکمیل شد بود، آنها را بدون دلیل روشن در زندان نگه داشت. در ماه آگست ، ایران وایر و IPW گزارش دادند که مقامات زندان به زندانیان اجازه دادند تا اسکندریان را مورد ضرب و شتم قرار دهند که در نتیجه آن به اسکندریان پارگی گوش ، لخته شدن خون و التهاب داخلی گوش بوجود میاید. بر اساس این گزارش ، نگهبانان حمله را مشاهده کردند اما هیچ مداخله نکردند. به تاریخ ۱۶ دسامبر ، پس از حکم اولیه توسط دادگاه انقلاب در سمنان در ماه اکتبر، دادگاه تجدید نظر سمنان ، فرنیان را به شش سال حبس، اسکندریان را به سه سال و شش ماه و فیروزیان را به دو سال و شش ماه محکوم کرد. طبق CHRI ، در تاریخ 2 ژوئن ، مأموران امنیتی مهدی حاجتی، عضو شورای شهر شیراز را در خانه اش دستگیر کرد. همسر حاجتی روز گذشته اظهار داشت که حاجتی یک پیام متنی را دریافت کرد اینکه مقامات وی را به صورت غیابی به یک سال زندان و دو سال تبعید محکوم کرده

است. در تاریخ 19 ژوئن، «دیده بان مطبوعات ایران» گزارش داد که ۲۹ فعالان برجسته حقوق مدنی و سیاسی، اعلامیه ای صادر کردند که طی آن حکم حبس حاجتی را محکوم کردند. رسانه های بین المللی و سازمان های غیردولتی حقوق بشر گزارش دادند که دولت مهدی حاجتی، عضو شورای شهر شیراز، به اتهام «دفاع از مذهب ضاله بهائی» به ۱۰ روز بازداشت محکوم کرد زیرا او در ماه سپتامبر در یک پیام توئیت در اینترنت درباره کوشش های خود جهت آزاد ساختن دو بهائی بازداشت شده مطلبی نوشته بود. بعداً قوه قضائیه حاجتی را تحت مراقبت قضائی قرار داد و او را از کرسی اش در شورای شهر محروم ساخت.

«مرکز اسناد حقوق بشر ایران» CHRI و رسانه های بین المللی گزارش دادند که مقامات در ماه فوریه مهدی مقدری، عضو شورای شهر اصفهان را به دلیل حمایت رسانه های اجتماعی اش از حقوق حاجتی و حقوق بهائی به شش ماه زندان محکوم کردند. یک دادگاه تجدید نظر حکم را تأیید کرد، اما مقامات او را تا پایان سال احضار نکردند. به تاریخ 15 آوریل، دادگاه انقلاب اصفهان حکم شش ماه تعلیق فعالیت هایش در شورای شهر را صادر کرد.

در ژانویه، دیده بان مطبوعات ایران (IPW) گزارش داد که مقامات چهار بهایی را در اصفهان به دلیل اتهامات سال ۲۰۱۷ "عضویت در سازمان های غیرقانونی بهائی با هدف اقدام علیه امنیت ملی" دستگیر کردند. سهراب نقی پور به پنج سال محکوم شد، در حالیکه فرزاد همایون، محسن مهرگانی و منوچهر رحمانی هر کدام به ۲۰ ماه زندان محکوم شدند. همه تا پایان سال در زندان ماندند.

«دیده بان مطبوعات ایران» (IPW) گزارش کرد که دادگاه تجدید نظر اصفهان با حکم جداگانه، ۹ بهایی را به حکم حبس متوسط بیش از پنج سال محکوم کرد. مقامات آنها را به "عضویت در اجتماع غیرقانونی بهائی و تبلیغات علیه رژیم با انتشارات ایمان بهائی در جامعه" متهم کردند.

«مرکز اسناد حقوق بشر ایران» (CHRI) و «جامعه بین المللی بهائیان» (BIC)، گزارش دادند که به تاریخ ۶ ماه مه، یک دادگاه انقلابی در بوشهر هفت بهائی - اسدالله جابری، احترام شیخی، عماد جابری، فریده جابری، مینو ریازاتی، فرخ فرامرزی و پونه ناصری را به دلیل اینکه در خانه هایشان به سوالاتی مهمانان مسلمان در مورد عقاید مذهبی شان پاسخ داده بودند و همچنان "عضویت در سازمان علیه امنیت ملی" به سه سال زندان محکوم کردند. براساس این گزارش، مأمورین وزارت اطلاعات این هفت نفر را در فوریه ۲۰۱۸ دستگیر کردند.

هرانا گزارش کرد که به تاریخ 6 ژوئیه، دادگاه انقلابی بیرجند، ۹ تن از ساکنان بهائی را به شش سال زندان محکوم کرد. براساس این گزارش، مقامات دادگاه به متهمان اجازه نداد که وکیل هایشان را در جریان دادرسی با خود داشته باشند. این نه تن - شیدا عابدی، فیروز احمدی، خلیل ملکی، سیمین محمدی، بیژن احمدی، مریم مختاری، ساغر محمدی، سهراب ملکی، و بهمن صالحی - بودند که به اتهام "عضویت در یک گروه غیرقانونی بهائی" و "تبلیغ علیه دولت با ترویج بهائیت" محکوم گردیدند. مقامات همچنین پول های جامعه بهائی را که برای تأمین نیازهای ساکنان بهائی بیرجند جمع آوری گردیده بود مصادره کرد.

«دیده بان مطبوعات ایران» (IPW) گزارش داد که در ماه ژوئن، دادگاه انقلاب اصفهان نگین تدریسی، مقیم بهائی را به اتهام "تبنانی و تجمع علیه امنیت ملی" به ۵ سال زندان محکوم کرد. براساس این گزارش، مقامات تدریسی را در اکتبر سال ۲۰۱۷ به علت تجلیل یک روز مقدس بهائی دستگیر کردند. هرانا و

«دیده بان مطبوعات ایران» (IPW) گزارش کردند که در ۶ مارس، مقامات قضایی بهایی غزاله باقری تازی را به جرم "اقدام علیه امنیت کشور از طریق عضویت و اداره نهادهای بهائی" به ۵ سال زندان محکوم کردند.

نیروهای امنیتی باقری تازی را در سال ۲۰۱۷ در طی مراسمی که در منزل وی به مناسبت دوصدمین سالگرد تولد بهاءالله، پیامبر-هرالد دین بهائی برگزار شده بود، دستگیر کردند. براساس این گزارش، نیروهای امنیتی هریک از شرکت کنندگان در این جشن را مجبور کردند تا وثیقه عدم حضور در مجامع بهائی ها امضا کنند. به ۲۵ ژوئن، هرانا گزارش داد که دادگاه انقلاب تهران، صوفیه مبینی، مقیم بهائی را به اتهام "تأسیس و ساماندهی یک گروه غیرقانونی بهائی با قصد تهدید امنیت ملی" را به ۱۰ سال زندان محکوم کرد. مقامات مبین را در اکتبر سال ۲۰۱۷ در مراسم جشن دوصدمین سالگرد بهاءالله دستگیر نموده و به زندان اوین منتقل کردند، که بعداً با شرط وثیقه آزاد شد. براساس این گزارش، حداکثر مجازات برای چنین اتهامی طبق ماده مربوط به قانون جزا، بیش از پنج سال حبس نیست.

در ماه آگست، رسانه های بین المللی و «جامعه بین المللی بهائیان» (BIC) از افزایش دستگیری بهائیان در شهرهای مختلف خبر دادند. به تاریخ ۱۰ آگست، مأموران وزارت اطلاعات منیره باویل سقلی، مینو زمانبیور و غلامحسین مظلومی را در خانه های شان در تهران دستگیر نموده و به زندان اوین منتقل کردند. در عین حال، مقامات سهیل حقیقت، یک بهائی ساکن شیراز، و همچنین فرید مقدم را در خانه اش بازداشت و به مکانی نامعلوم بردند.

بنا بر گزارش ها، در تاریخ ۳ آگست، مقامات دو بهایی، ابوالفضل انصاری و روح الله زیبایی، را از کرج بازداشت کردند. طبق گزارش ها، مأموران امنیتی خانه های همه بهائیان بازداشت شده را جستجو نموده و لپ تاپ ها، تلفن های هوشمند، کارتهای شناسایی، بیانیه های بانکی و سایر اموال شخصی آنها را توقیف کرد. مقامات در زمان دستگیری اتهامات را ذکر نکردند. «جامعه بین المللی بهائیان» (BIC) مستقر در ژنو ضمن تأیید این گزارشها، اظهار داشت که هنوز مشخص نیست که این دستگیری ها از سوی کدام نهاد دولتی بر اساس کدام اتهامات صورت گرفته است.

براساس گزارش هرانا و «دیده بان مطبوعات ایران»، به تاریخ ۲۱ ژانویه، هشت مأمور وزارت اطلاعات یک زن بهایی ساکن در تهران، آتوسا احمدی، را بعد از جستجوی خانه و مصادره برخی از وسایل شخصی اش، از جمله کتاب، لپ تاپ، و مواد مذهبی، دستگیر و زندانی کرد. مأموران احمدی را به ارتکاب اقدامات علیه امنیت ملی متهم کردند. در ۱۱ مارس، ایران و ایر، هرانا و «دیده بان مطبوعات ایران» گزارش دادند که مأمورین امنیتی دو برادر بهائی ساکن تهران، حمید ناصری را در محل کار اش و سعید ناصری که به دادستانی اوین رفته بود تا در مورد دستگیری همسرش تحقیق کند، دستگیر کردند. طبق این گزارش، نیروهای امنیتی همسر ناصری، افسانه امامی، را به تاریخ ۲ فوریه دستگیر کردند. مقامات هر سه خانواده بهائی را به زندان اوین منتقل کرد.

علیرغم سانسور دولتی از طریق فیلتر کردن اینترنت، بستن تارنها و دستگیری اساتیدی که با این برنامه همکاری میکنند، بسیاری از بهائیان کماکان به برنامه آموزشی اینترنتی روی میاورند. نظر به اینکه آموزش اینترنتی و غیر اینترنتی بهائیان هنوز غیرقانونی میباشد «مؤسسه آموزش عالی بهائیان» (BIHE)، دانشجویان و آموزگاران آن بدلیل شرکت در این کلاسها هنوز با خطر دستگیری روبرو هستند.

طبق IPW، در تاریخ 9 اکتبر، مقامات مربی BIHE آزیتا رفیع زاده را پس از اتمام حکم چهار ساله برای تدریس در این موسسه، آزاد کردند. شوهر رفیع زاده، پیمان کوشک باغی، همچنان به مجازات 5 ساله خود ادامه داد. به گزارش پیام نیوز، مقامات ابتدا کوشک باغی را در مارس 2016 هنگام بازدید از همسرش، که در زندان اوین زندانی بود، دستگیر کردند. دادگاه انقلاب تهران این دو نفر را به اتهام "عضویت در گروه غیرقانونی و گمراه شده بهائی با هدف اقدام علیه امنیت ملی از طریق فعالیت های غیرقانونی در موسسه آموزشی "BIHE محکوم کرد.

دولت از دواج و طلاق بهائیان را به رسمیت نمی شناسد اما اجازه می دهد استشهاد مدنی آن ها به مثابه سند عادی از دواج تلقی شود ولی در اختلافات زناشویی ملاک قانونی محسوب نشود. کنشگران بهائی گزارش می کنند که این امر، زنان را از حمایت های قانونی که در مورد قباله های از دواج به رسمیت شناخته شده از سوی دولت صدق می کند محروم می سازد.

به تاریخ 2 نوامبر، «جامعه بین المللی بهائیان» (BIC) گزارش داد که مقامات در روزهای جشن دو صدمین سالگرد بهاءالله، بهائیان را مورد آزار و اذیت قرار دادند. مقامات به خانه ها و جشن های بهائی در شیراز حمله کردند و حداقل پنج بهایی را دستگیر کردند. در روزهای نزدیک سالگرد، عاملین قبرستان بهائی را نیز ویران کردند. مقامات پنج مغازه متعلق به بهایی را مسدود کردند زیرا مالکین آن روزهای مقدس بهائی را تجلیل کرده بودند.

دولت به فعالیت های مسیحیان ارمنی اجازه داد. طبق بعضی منابع، این سخاوتمندانه ترین حقوقی بود که از سوی دولت به اقلیت های مذهبی کشور داده شد. تا جاییکه تلاش ها برای حفاظت اماکن مقدس ارمنستانی صورت گرفت و به اتباع تبار ارمنستان و بازدید کنندگان ارمنی اجازه داد شد تا سنت های مذهبی و فرهنگی را در کلیساها و کلوب های مخصوص شان انجام دهند.

به گفته سازمان های غیردولتی مسیحیان، مسیحیان غیر ارمنی، بویژه انجیلی و سایر افراد تازه گرویده از اسلام، به شکل نامتناسب بازداشت گردیدند و به اکثر مورد آزار، اذیت و نظارت قرار گرفتند. سازمان های حقوق بشر و سازمان های غیردولتی مسیحی کماکان گزارش می کردند که مقامات مسیحیان را به خاطر وابستگی یا فعالیت های دینی، از جمله اعضای کلیساهای غیر رسمی را که بطور غیرقانونی در خانه های خصوصی به ادای شعائر مذهبی می پرداختند، یا به اتهام پشتیبانی از یا پذیرفتن کمک از کشور های «دشمن» بازداشت می کردند. گفته می شد که بسیاری از بازداشت ها در جریان حمله پلیس به اجتماعات مذهبی صورت می گرفت که ضمن آن اموال مذهبی نیز توقیف می شد. گزارش های خبری حاکی از آن بود که مقامات آن مسیحیان بازداشت شده را مورد بدرفتاری جسمانی و روانی شدید قرار میدادند که گاهی شامل کتک زدن و حبس انفرادی نیز می شد. به گفته سازمان های غیردولتی حقوق بشر، دولت همچنان به ممنوعیت ارتداد ادامه داد.

در ماه مه، طبق «کریستین پُست»، وزیر اطلاعات، محمود علوی، اظهار داشت که مقامات مسیحیان تازه گرویده از اسلام را برای وضاحت در مورد تبدیلی دین شان احضار می کرد. علوی در سخنرانی اش با روحانیون شیعه، «تبلیغات انجیلی» درباره گسترش مسیحیت و روی آوردن مسلمانان محلی به آن را یکی از نگرانی های دولت خواند. بر اساس گزارش پُست، علوی گفت که وزارت اطلاعات و حوزه علمیه قم مقامات را برای مقابله با «مدافعان مسیحیت» و تحقیقات از تازه گرویدگان به مسیحیت، اعزام کرده اند.

به گزارش سرویس خبری انگلیسی العربیه، مقامات نظارت خود را بر مسیحیان انجیلی در روزهای قبل از کریسمس کردند افزایش داد. به گفته یک فعال حقوق دینی، دبیرا تمبرز، جشن های کریسمس دستگیری گروهی مسیحیان را در یک زمان آسانتر کرد. طبق گزارش ها، حداقل ۱۰۹ مسیحی انجیلی در طول سال دستگیر شدند. به تاریخ ۱۰ فوریه، طبق گزارش CSW، مأمورین سپاه پاسداران ایران، کشیش یک کلیسای مسیحی زیرزمینی، ماتئاس حق نژاد، را در رشت بعد از خدمات کلیسایی دستگیر کردند و کتاب مقدس همچنان تلفن های متعلق به شرکت کنندگان در کلیسا را مصادره کردند. مأمورین همچنین کتابهای کشیش و تلفن همسرش را از خانه اش توقیف کردند. به تاریخ ۲۳ سپتامبر، دادگاه انقلاب تهران پس از دادرسی کوتاهی، حق نژاد و هشت عضو دیگر کلیسا را به پنج سال زندان محکوم کرد. رسانه ها گزارش دادند که رهبر معظم در پرونده پاستور حق نژاد مداخله کرد تا از اتهامات دادگاه علیه وی مطمئن شود. حق نژاد بعداً بدون محاکمه به زندان اوین منتقل شد و تا پایان سال در بازداشت مان

مطابق گزارش رسانه ها، ماده ۱۸، یک سازمان غیردولتی برای ترویج آزادی مذهبی و حمایت از مسیحیان ایرانی، مأمورین وزارت اطلاعات در اول ژوئیه در بوشهر به خانه های هشت تن گرویدگان تازه به مسیحیت یورش بردند و آنها را در سلول انفرادی قرار دادند و آنها را از دسترسی به وکیل ممانعت کردند. بنا بر گزارش ها، مأموران در حین یورش، کتاب مقدس، ادبیات مذهبی، صلیب های چوبی، تصاویر سمبل های مسیحی، لپ تاپ، تلفن، شناسنامه، کارت های بانکی و سایر وسایل شخصی شان را مصادره کردند.

به تاریخ اول آگست، رسانه های بین المللی و سازمان های غیردولتی مسیحی گزارش دادند که در اواخر ماه ژوئیه، دادگاه انقلاب در کراچ، یک فرد تازه گرویده به مسیحیت، ماهرخ کانبری ۶۵ ساله، را به اتهام "اقدام علیه امنیت ملی" و "تبلیغات علیه سیستم" به یک سال زندان محکوم کرد. براساس این گزارش ها، سه مأمور وزارت اطلاعات ابتدا در سال ۲۰۱۸ کانبری را در شب کریسمس در خانه اش دستگیر کردند و پس از آن وی بوسیله وثیقه ۱۰۵ میلیون ریال (۲۵۰۰ دالر) آزاد شد. بنا بر گزارش ها، با وجودیکه خانم کانبری به قید وثیقه آزاد شده بود، مقامات حکم کرد که برای او رهنمایی شود تا چگونه میتواند به اسلام بازگردد.

براساس گزارش سپتامبر محبت نیوز، دادگاه انقلاب بوکان مصطفی رحیمی را به اتهام فروش کتاب مقدس در کتابفروشی اش به شش ماه و یک روز زندان محکوم کرد. مأمورین اطلاعات در ماه ژوئن رحیمی را دستگیر کردند و وی را با وثیقه آزاد کردند. اما مقامات چند روز بعد وی را بازداشت نمودند و در زندان مرکزی بوکان زندانی کردند.

هرانا در ۲۰ دسامبر گزارش داد، رئیس دادگاه شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب تهران، محمد مقیسه، به تاریخ ۱۳ اکتبر ۹ تن محکوم به مسیحیت را به اتهام "اقدام علیه امنیت ملی" به ۵ سال زندان محکوم کرد. طبق هرانا، دادرسی به تاریخ ۲۳ سپتامبر صورت گرفت اما آنها در مورد حکم طلب تجدید نظر کردند. همه آنها توسط مأمورین اطلاعات سپاه پاسداران دستگیر شده بودند.

طبق ماده ۱۸ و محبت نیوز، به تاریخ ۲۶ اکتبر، مقامات یک فرد تازه گرویده به مسیحیت، ابراهیم فیروزی، را که از سال ۲۰۱۳ در زندان رجایی شهر زندانی بود آزاد کردند. وی به تاریخ ۱۲ نوامبر، به

سرباز گزارش داد تا دو سال تبعید داخلی را که شامل حکم سال ۲۰۱۳ وی بود شروع کند. او به اتهام "تبنای علیه امنیت ملی" روی آوردن به مسیحیت، و فعالیتهای مربوط به تبلیغ محکوم گردیده بود.

ویکتور بت تمراز، که پیش از این رهبری کلیسای پنطیکاستی آشوری کشور را برعهده داشت؛ همسرش شمیرام ایسوی؛ و فرزندشان، رامین بت تمراز، کماکان خواستند تا در مورد حکم که به دلیل فعالیت های مذهبی شان وضع گردیده بود، تجدید نظر صورت گیرد. مطابق ماده ۱۸ و سازمان غیردولتی آزادی مذهب مسیحی در خاورمیانه، قاضی جلسه دادرسی ویکتور بت تمراز و ایسوی را در ۱۳ نوامبر به تعویق انداخت، وی اظهار داشت که دادگاه "خیلی شلوغ" است و وقت لازم برای رسیدگی به پرونده های آنها نبود.

براساس گزارش سازمان های غیردولتی، ماده ۱۸، اوپن دورز انترنشنل، «همبستگی جهانی مسیحیان» (CSW)، و نگرانی خاورمیانه، در اخیر سال، حداقل ۱۷ مسیحی به اتهامات مربوط به مذهب شان در زندان به سر میبردند.

در گزارش های سازمان های غیردولتی آمده است که گروه حلقه ی عرفان، پیروان دکتورین جهانی گرایی یا جهان شمولی (Inter universalism)، به رهبری محمدعلی طاهری، همچنان در معرض دستگیری ها، آزار و اذیت ها و نظارت قرار دارند. براساس گزارش هرانا، مقامات در ماه فوریه یک فرد پیرو دکتورین جهانی گرایی (Inter universalism) و عضو گروه عرفان حلقه را به اتهام "اقدام علیه امنیت ملی" به ۵ سال زندان محکوم کردند. مطابق گزارش رسانه ها و سازمان های غیر دولتی، در ماه آوریل، مقامات طاهری را بعد از حبس تقریباً هشت سال پس از دستگیری وی در سال ۲۰۱۱، از زندان آزاد کردند. به گفته (CHRI)، یک رسانه ای دولتی اعلام کرده است که مقامات به مناسبت سال نو ایران حکم مرخصی او را صادر کردند، اما وی مدت بیشتری در زندان سپری ماند زیرا دادگاه تجدید نظر تهران حکم ۵ سال زندان به اتهام "فساد در زمین" در سال ۲۰۱۸، تأیید کرد. " براساس گزارش های رسانه های اجتماعی، طاهری از زندان آزاد شد اما ممنوع الخروج از کشور بود.

CHRI گزارش داد که به تاریخ ۱۵ ماه مه، دادگاه تجدید نظر حبس ۹۱ روزه ۱۸ نفر را که مقامات آنها را به اتهام "اخلال نظم عمومی" دستگیر کرده بودند در حالی که آنها به نمایندگی از طاهری در بیرون زندان اوین در سال ۲۰۱۵ دست به اعتراض مسالمت آمیز زدند، تأیید کرد. شانزده نفر از متهمان در این قضیه پیروان طاهری و گروه حلقه ی عرفان هستند.

براساس گزارش موسسه صلح ایالات متحده، دولت همچنان بر اظهارات و دیدگاه های رهبران ارشد مذهب شیعه که از سیاست های دولت یا نظرات رهبر معظم رهبری علی خامنه ای پشتیبانی نمی کردند، نظارت داشت. براساس رسانه های بین المللی، مقامات همچنان با دستگیری، بازداشت، کاهش بودجه، صدمه زدن به اعتبار روحانی و مصادره اموال، روحانیون شیعه را مورد هدف قرار دادند.

منتقدین اظهار داشتند که دولت همچنان از دادگاههای ویژه روحانیت استفاده میکرد تا روحانیون مسلمان غیر شیعه و همچنین محکوم کردن روحانیون شیعه که عقاید جنجالی داشتند و در فعالیتهایی خارج از حوزه دین مانند روزنامه نگاری یا فعالیتهای سیاسی اصلاح طلب شرکت داشتند، کنترل کند.

در 12 ژانویه، (HRANA) گزارش داد که مقامات یک روحانی شیعه، سید حسن آقامیری، را به دلیل مصاحبه ها و گفتارهای وی در رسانه های دولتی به دو سال حبس تعلیقی محکوم کرد و همچنان او را از دفتر روحانی اش محروم نمودند. به گفته رادیو فردا، آقامیری به "تضعیف اعتبار روحانیون و توهین به مقدسات" متهم شده است. به گزارش سرویس خبری انگلیسی NHK، در ماه فوریه آقامیری در بین جوانان بسیار مشهور بود زیرا او از نسل های جوان خواست تا "به تنهایی فکر کنند" و برایشان گفت "خدا به شما استعداد داده، هیچ چیز جلوی شما را نمی گیرد و هیچ محدودیتی ندارد."

در ماه ژانویه، «جامعه بین المللی بهائیان» (BIC)، هرانا و «دیده بان مطبوعات ایران» گزارش دادند که مقامات جواز کار فرسید دییمی، ساکن بهائی بیرجند را بخاطر ایمان بهائی اش، تجدید نکردند. براساس این گزارش، به تاریخ ۵ ژانویه، مقامات بدون دلیل موجه کار بیست ساله دییمی را مُهرلاک کردند. هرانا همچنین در ماه مه گزارش داد که مقامات به خانه کاشان حشمت الله احسانی یورش بردند و تجهیزات او را برای تولید گلاب بخاطر بهائی بودنش توقیف کردند. «جامعه بین المللی بهائیان» (BIC) به طور مشابه در ماه مه گزارش داد که دفتر وزارت اطلاعات در کرمانشاه، ساسان قاقچی، مقیم بهائی را احضار کردند و بخاطر فهرست موجودی کالا های که از مغازه اش توقیف کرده بودند، برای هشت ساعت بازجویی و ارباب نمودند.

گزارش های پی در پی حاکی از آن بود که مقامات بر کسب و کارهای بهائیان محدودیت هائی قائل میشدند یا آنها را زیر فشار قرار میدادند تا پس از تعطیل کوتاهی که به دلایل مذهبی بهائی برگزار میکنند آن تعطیل را بدون نیاز به توجیه تمدید کنند یا مغازه داران را به تعطیل کامل تهدید میکردند، هر چند مغازه ها بدون ارائه هیچگونه دلیل، قانوناً مجاز به ۱۵ روز تعطیلی سالیانه میباشند. بر اساس سازمان های غیر دولتی، مسئولین دولتی به یورش های خود به خانه ها و کسبوکار بهائیان و مصادره اموال شخصی و تجاری و همچنین متعلقات مذهبی آنها ادامه داده اند.

در ماه سپتامبر، «دیده بان مطبوعات ایران» گزارش داد که مأمورین آژانس دولتی اجرای دستور امام خمینی یا (EIKO) جبرا به مسکن شراره فرخزادی و سیروس ایران نژاد، يك خانواده بهائی در منطقه نیاوران تهران، وارد شدند و در مدت هفت ساعت، تمام مبل و دیگر وسایل را از مسکن شان به EIKO انتقال دادند. در سال ۲۰۱۷ یک حکم دادگاه انقلابی اظهار داشت: "از آنجا که مشخص شد که افراد فوق الذکر اعضای فرقه منحرف بهائیت هستند، ممکن است تمامی دارایی های آنها توسط EIKO توقیف شود." هرانا و ایران وایر گزارش دادند که از تاریخ ۹ تا ۱۵ ژوئن، نیروهای امنیتی خانه ها و محل کار ۹ خانواده بهائی در شاهین شهر - ارشد افشار، عزیز افشار، پیمان ایمانی، محبوبه حسینی، بهرام صفایی، مهران یزدانی، مصباح کامبخش، سیروس گلزار و نعیم حقیری - را جستجو کردند و وسایل آنها از جمله تلفن های همراه، لپ تاپ، تبلت، دستگاه های ماهواره ای، کتاب، عکس، فرش، اسناد شناسایی، ابزار و سایر تجهیزات تجاری را مصادره کردند. مقامات قضایی، بهائیان و سه نفر دیگر را به دفتر وزارت اطلاعات محلی احضار کردند. براساس این گزارش، هفت مأمور امنیتی اقلام بهارزش تقریباً يك میلیارد ریال (23,800 دلار) را توقیف کردند. بر اساس گزارش هرانا، کارفرمای حقیری او را به دلیل فشار مأموران اطلاعاتی از کار اخراج کرد.

دولت هنوز املاک متعلق به بهائیان از قبیل گورستانها، جایگاه های مقدس، مکان های تاریخی و مراکز امور اداری آنها را که پس از انقلاب ۱۹۷۹ توقیف کرده بود، تا کنون نگاه داشته است. دولت هنوز از تدفین مردگان بهائیان بر اساس سنت های دینی آنها جلوگیری می کند.

به گفته مرکز اسناد حقوق بشر ایران (IHRDC)، مقامات به طور متواتر از دفن یک فرد بهائی، تبریز، در گورستان محلی وادی-رحمت جلوگیری کردند. در عوض، آنها غالباً بقایای دفن را به میاندوآب می فرستادند، جایی که مقامات اجازه نمی دادند خانواده های بهائی اجساد را شستشو کنند و مراسم تدفین بهائی را انجام دهند. IHRDC گفت که طبق آیین دینی بهائی ها، مرحوم باید در یک محل که یک ساعت از محل مرگ دور باشد، دفن شود. با این حال، زمان سفر بین تبریز و میاندوآب تقریباً ۲.۵ ساعت است. براساس این گزارش، مقامات قبرستان، شورای شهر تبریز و دولت استان آذربایجان شرقی گفتند که مقامات دستورات ممنوعیت دفن بهائیان در تبریز را اجرا می کردند، اما هیچ یک از این دفاتر مسئولیت صدور دستور را برعهده نگرفتند.

به گفته سازمان های حقوق بشر، گروه های طرفدار مسیحیت و سازمان های غیردولتی، دولت به منضبط ساختن رویه های مذهبی مسیحیت ادامه داد. دولت گزارش های رسمی و رسانه ای کماکان کلیساهای خانگی را «شبکه های غیرقانونی» و «نهادهای تبلیغاتی صهیونیستی» توصیف میکنند. رهبران جامعه مسیحیت اظهار میداشتند که اگر مقامات پی می بردند که کلیساهای ارمنه و آسوری ها نوگرویدگان را غسل تعمید میدهند یا موعظه های خود را به زبان فارسی برگزار میکنند آن کلیساها را تعطیل می کردند. همچنین گزارش میشد که مقامات مسیحیان ثبت نام نشده یا به رسمیت شناخته نشده را از ورود به تأسیسات کلیساها باز میداشتند، کلیساهائی را که به آنها اجازه ورود میدادند تعطیل میکردند و نومسیحیان را نیز بازداشت میکردند.

رسانه های بین المللی و آژانس خبری بین المللی آشوری گزارش دادند که مقامات به تاریخ ۹ ماه مه یک کلیسای ۱۰۰ ساله پرسبیزی متعلق به جامعه آشوریان در تبریز را بستند. براساس ماده ۱۸، مأمورین وزارت اطلاعات و EIKO که تحت کنترل مستقیم مقام رهبر معظم است، به کلیسا حمله کردند. مأموران سپس همه قفل ها را تغییر دادند، یک صلیب برج کلیسا پاره کردند، ضمن نصب تلویزیون مدار بسته و سایر سیستم های نظارت به سرپرست کلیسا دستور دادند تا از محل خارج شوند و همکاری آنها را از انجام خدمات در ساختمان منع کردند. طبق ماده ۱۸، صلیب در ماه ژوئیه در بالای کلیسا نصب شده بود.

گروه های پشتیبان کلیساها میگفتند که دولت از طریق فشار بر کلیساها و تعطیل آنها، به استثناء تعداد کمی همه خدمات کلیسائی فارسی زبان را حذف کرده بود و به این نحو خدمات آنها تقریباً بطور کلی به زبان های ارمنی و آسوری محدود گردیده بود. مقامات امنیتی مراکز همایش به ثبت رسیده را زیر مراقبت داشتند تا هویت عابدان بررسی شود و عابدان غیر مسیحی یا نوگرویده ها در مراسم کلیسائی شرکت نکنند. در نتیجه، بسیاری از شهروندانی که تازه به مسیحیت گرویده بودند مناسک، دینی خویش را بطور سیری برگزار می کردند. سایر اقلیت های مذهبی به رسمیت شناخته نشده مانند بهائیان و یارسانی ها نیز مجبور میشدند برای ادای مناسک دینی خود پنهانی در خانه های خصوصی گرد هم آیند.

دولت کماکان زنان پیرو همه گروه های مذهبی را به تبعیت از موازین «حجاب اسلامی» در ملاء عام ملزم می ساخت، از جمله پوشانیدن گیسوان و پنهان کردن کامل اندام شان در لباس گشاد – مانند *مانتو* (پالتو) و روسری (چارقد) – یا در غیر آن صورت پوشاندن خود با چادر (یک پارچه نیمه مدور تمام قد که هم روی سر و هم روی لباس زن را می پوشاند). دولت هر چند گاه در مورد تنفیذ مقررات اینگونه لباس کمتر سختگیری می کرد، اما با اقداماتی چون توقیف و حد زدن و جریمه و اخراج از کار، متخلفانی را که از «الپسه غیراسلامی» استفاده می کنند مجازات می کرد.

دولت همچنان به سرکوب اعتراضات عمومی علیه حجاب اجباری و الزامات لباس اسلامی برای زنان ادامه داد. رسانه های بین المللی و سازمان های مختلف حقوق بشر غیردولتی به تاریخ ۲۷ آگست از حکم ۲۴ سال حبس فعال حقوق زنان، صبا کرد افشاری، به دلیل دخیل بودن اش در اعتراضات علیه حجاب اجباری خبر دادند. مطابق گزارش آگست هرانا، به تاریخ ۱ ژوئن، نیروهای امنیتی افشاری را به اتهام "تبنای علیه امنیت ملی"، "تبلیغات علیه دولت" و "تبلیغ فساد و فحشا با ظاهر بدون روسری در ملاء عام" بازداشت کردند.

در ماه آوریل، مقامات سه فعال ضد حجاب اجباری، مژگان کشاورز، منیره عربشاهی و دخترش یاسمین آریانی را به دلیل پخش ویدئویی شان در شبکه های مختلف رسانه های اجتماعی به تاریخ ۸ مارس، روز جهانی زن، بازداشت کردند. در این ویدئو زنان به مسافران مترو تهران گل میدادند در حالی که پیشنهاد می کردند حجاب یک امر انتخابی باشد. طبق گزارش HRW، به تاریخ ۳۱ ژوئیه، شعبه ۳۱ دادگاه انقلاب تهران هر یک از آنها را به جرم "اجتماع و تبنای علیه امنیت ملی"، به ۵ سال، به اتهام "تبلیغ علیه دولت" به یک سال و به اتهام "تشویق فساد و فحشا اخلاقی" به ۱۰ سال زندان محکوم کردند. کشاورز به دلیل "توهین به مقدسات" هفت و نیم سال قید اضافی دریافت کرد. به تاریخ ۱۶ آگست، شش کارشناس حقوق بشر سازمان ملل به شمول گزارشگر ویژه در مورد وضعیت حقوق بشر ایران، گزارشگر ویژه خشونت علیه زنان، علل و پیامدهای آن، گزارشگر ویژه گسترش و حمایت حق آزادی عقیده و بشر؛ رئیس گروه تبعیض علیه زنان و دختران؛ گزارشگر ویژه گسترش و حمایت حق آزادی عقیده و بیان و گزارشگر ویژه آزادی دین یا عقیده بیانیه ای صادر کردند که خواستار آزادی این زنان شدند. این کارشناسان اظهار داشتند: "ما از مقامات ایرانی می خواهیم که این محکومینها را لغو کنند و فوراً همه مدافعان حقوق بشر را که به دلیل فعالیت هایشان برای دفاع از حقوق زنان به طور خودسرانه بازداشت شده اند، آزاد کند، و همچنان می خواهیم که دولت ایران احترام کامل به حقوق زنان، آزادی عقیده و بیان، و اجتماع مسالمت آمیز و عدم تبعیض را تضمین کند."

رسانه های بین المللی و سازمان های حقوق بشری به طور گسترده از صدور حکم ۱۱ مارس یک وکیل حقوق بشر زن، نسرین ستوده، به ۳۳ سال زندان و ۱۴۸ ضربه شلاق خبر دادند. طبق (AI)، محکومیت و مجازات ستوده در نتیجه "کار مسالمت آمیز حقوق بشر، از جمله دفاع از زنان معترض در برابر قوانین تحقیرآمیز حجاب اجباری ایران" صورت گرفت. در ژوئن سال ۲۰۱۸، مقامات ستوده را، که نماینده فعالان مخالف بود، از جمله زنانی که به دلیل برداشتن روسری اجباری تحت پیگرد قانونی قرار گرفتند، دستگیر کرد و تا پایان سال در زندان اوین ماند. کارشناسان حقوق بشر سازمان ملل، از جمله گزارشگر ویژه در مورد وضعیت حقوق بشر ایران و گزارشگر ویژه در مورد وضعیت مدافعان حقوق بشر، از خبر محکومیت و مجازات ستوده ابراز نگرانی کردند. کارشناسان گفتند: "ما از محکومیت خانم ستوده و زندانی شدن اش عمیقاً نگران هستیم. به نظر می رسد بازداشت و اتهامات بر وی به دلیل کارش به عنوان یک وکیل حقوق بشر، به ویژه نماینده مدافعان حقوق بشر زن در ایران است که به موجب اعتراض مسالمت آمیز نسبت به قوانینی که پوشیدن حجاب برای زنان را اجباری میسازد، دستگیر شدند." روزنامه لس آنجلس تایمز گزارش داد سحر خداری، معروف به "دختر آبی" نیز در ماه مارس به دلیل نقض ممنوعیت دولت از ورود زنان به استادیوم های فوتبال با پوشیدن یک کلاه گیس آبی و یک روپوش برای تماشای تیم محبوب فوتبال اش، استقلال، که به خاطر آبی بودن پیراهن شان مشهور است در بازی مقابل تیمی امارات متحده عربی، ظاهر شده بود، از سوی مقامات دستگیر شد. سحر بر اساس وثیقه آزاد شد و بخاطر نداشتن حجاب به "آسیب رساندن به نظم عمومی" و "توهین به مأموران اجرای قانون" متهم

گردید. در ماه سپتامبر، هنگامی که مطلع شد به شش ماه زندان محکوم گردیده است، خود را غرق بنزین کرد و در مقابل دادگاه آتش زد و چند روز بعد از سوختگی درگذشت. در ماه اکتبر، زنان برای حضور در یک مسابقه فوتبال فیفا با شعار "دختر آبی" در ورزشگاه آزادی تهران هجوم آوردند زیرا آنها از ممنوعیت طولانی شرکت زنان در مسابقات ورزشی در ورزشگاه ها سرپیچی کردند و توانستند با جنس مخالف آزادانه مخلوط شوند.

دولت همچنان مکرراً نمایش های عمومی خلاف قوانین اسلامی شیعه مانند رقص و ظاهر شدن زن و مرد در ملاء عام را سرکوب کرد. در ماه مه، رسانه های بین المللی از دستگیری ۳۰ نفر در شهر گرگان به دلیل شرکت در یک کلاس یوگا خصوصی مختلط، خبر دادند. یک مقام دادگستری محلی گفت: شرکت کنندگان "لباس نامناسب می پوشیدند" و "رفتار نامناسب داشتند." به گفته CHRI، این نوع بازداشت ها معمول بوده اما به ندرت از مقامات دولتی به رسمیت شناخته شده است. در ماه مارس، رسانه های بین المللی گزارش دادند که پس از آنکه شخصی در رسانه های اجتماعی ویدیو یک مرد جوان را به زن جوان پیشنهاد می کند را نشر کرد پلیس اراک این زوج را به اتهام "تضعیف عفت اسلامی" دستگیر کرد. براساس این گزارش ها، روحانیون این زوج را به ترویج رابطه غیرقانونی و زندگی مشترک بدون ازدواج متهم کردند. گزارش ها حاکی از آن است که طبق گفته پلیس محلی، این زوج قبلاً به طور قانونی ازدواج کرده بودند.

براساس گزارش ۲۰ مه CHRI، مأمورین دولتی به هدف سرقت اطلاعات شخصی افراد، با استفاده از بدافزارها برای انجام حملات سایبری به حساب های آنلاین اقلیت های مذهبی، ادامه داد. به گفته CHRI، نزدیک به ۱۰۰ حساب مستند وجود دارد که از سوی مقامات حک شده اند. CHRI اعلام کرد که حساب های اجتماع صوفی گنابادی بیشتر از سوی دولت مورد هدف قرار دارند.

بنا بر گزارش ها، مقامات همچنان به محروم کردن اجتماعات مذهبی بهائی، صابئین-مندائی و یارسان و سایر اقلیت های مذهبی ناشناخته، از دسترسی به آموزش و اشتغال در دولت ادامه داد مگر آنکه در فرم های درخواستی شان، خود را به عنوان یکی از پیرو های ادیان شناخته شده کشور اعلام میکردند. در ماه سپتامبر، ایران وایر، IHRDC و رسانه های بین المللی گزارش دادند که وزیر آموزش و پرورش محسن حاجی میرزایی ابتکار جدید وزارتخانه را تحت عنوان "پروژه مهر" معرفی کرد، که براساس آن به مدارس اجازه میداد تا از آموزش به دانش آموزان اقلیت مذهبی انکار کنند. به نقل از گفته های وزیر، "اگر دانش آموزان بگویند که پیرو مذاهب غیر رسمی کشور هستند، نمی توانند به مدرسه ادامه دهند چون این کار به عنوان تغییر دین پنداشته می شود." وی در ادامه اظهار داشت که تمام دفاتر استانی و محلی این وزارتخانه در این طرح مشارکت دارند و برای اجرای آن منابع بشری لازم سازماندهی شده است. در ماه ژوئن، HRANA و IHRDC گزارش کردند که دستورالعمل جدیدی از طرف سازمان بهزیستی، وزارت رفاه اجتماعی کشور، نشر گردید که بر اساس آن استخدام اقلیت های مذهبی در پیش دبستانی ها را منع میکرد. طبق این دستورالعمل: "استخدام کارمندان متعلق به اقلیت های مذهبی با هر ظرفیتی که باشند، در کودکان ها ممنوع است، به جز در کودکان های خاص برای اقلیت های مذهبی." این دستورالعمل به تاریخ ۲۷ مه توسط مدیر دفتر کودکان و نوجوانان سازمان بهزیستی کشور، سید منتظر شبار، صادر گردید.

دانشگاه های دولتی و خصوصی کماکان مانع از ثبت نام دانشجویان بهائی میشدند یا هرگاه معلوم می شد که آن دانشجویان بهائی هستند آنها را اخراج می کردند. در ماه سپتامبر «HRANA گزارش کرد که دست کم ۲۲ بهائی در طول سال از ورود به دانشگاه ها با وجود اینکه در امتحان ورودی کامیاب شده بودند، به

دلیل عقاید مذهبی‌شان منع شده مقامات گفت که پرونده آنها ناقص است یا اینکه نام آنها در فهرست ثبت نام شده ها نیست. متقاضیان پیام کوتاه دریافت کردند که بیان می کرد ، " ... در پرونده شما نقص وجود دارد. لطفاً با بخش پاسخگویی آژانس ارزیابی تماس بگیرید. "

به تاریخ ۱۹ ژانویه ، رسانه ها و سازمان های غیردولتی از افزایش اخراج بهائیان از دانشگاه ها به دلیل مذهب شان خبر دادند. هرانا گزارش داد که مسئولان دانشگاه آزاد سما، شیرین بنی نژاد که در حال تحصیل در پنجمین دور رشته علوم کاربردی بود، يك ماه قبل از اتمام مدرک دانشگاهی اش، اخراج کردند. براساس گزارش ها، بنی نژاد پس از آن که فیس کامل خود را پرداخت کرده بود و یکی از امتحاناتش را نیز سپری کرده بود، اخراج گردید. به همین ترتیب ، براساس گفته های «جامعه بین‌المللی بهائیان» (BIC) ، مقامات پس از چهار سال تحصیل، شادی شوگی ، دانشجوی بهائی در دانشگاه علمی کاربردی نجف آباد را اخراج کردند. مقامات همچنین المیرا سیار مهدوی ، دانشجوی کارشناسی تبلیغات عکس ، در سال سوم تحصیل اش به دلیل بهائی بودن ، از دانشگاه علمی کاربردی کرج اخراج کردند. هرانا از اخراج بهائی سما نظیفی ، دانشجوی معماری دانشگاه آزاد شهریار خبر داد. براساس این گزارش ها، نظیفی سال گذشته به علت پیشرفت تحصیلی اش مورد تقدیر قرار گرفته و چندین جوایز را بدست آورد بود. به گفته رادیو زمانه ، مقامات بدیع صفاجو ، دانشجوی بهایی مهندسی شیمی دانشگاه آزاد علوم و تحقیقات تهران را با وجود درجه بالا در دوره هفتم تحصیلی اش اخراج کردند. براساس این گزارش ، هواداران صفاجو نظرسنجی را انجام داده اند که نشان می داد ۸۱ درصد از پاسخ دهندگان با اخراج وی مخالف هستند. پس از نه روز ، ماموران امنیتی دستور حذف نظرسنجی از صفحه اینستاگرام دانشگاه را صادر کردند.

به گزارش جامعه جهانی بهائیان، مقررات دولتی ایران کماکان مشارکت بهائیان را در بیش از ۲۵ نوع شغل که بسیاری از آن مشاغل به رشته خوراک و مواد غذایی بود مربوط میشد منع میشدند زیرا بهائیان از نظر دولت ایران «نجس» محسوب میشدند.

به گزارش وبسایت رسمی درویشان گنابادی، به نام مجذوبان نور، مقامات کماکان درویشان گنابادی را به سبب وابستگی به سلک صوفیان از اشتغال و تحصیلات دانشگاهی منع میکردند.

اعضای جامعه تسنن به ایراد گرفتن نسبت به آمار منتشره در سال ۲۰۱۵ در وبسایت «مدیریت وضع مقررات برای مساجد» ادامه دادند. آن سال ۲۰۱۵ گزارش کرده بود که نه مسجد سنی‌ها در تهران و ۱۵۰۰۰ مسجد در سراسر ایران وجود دارد. اعضای جامعه اهل تسنن میگفتند که اکثریت عظیم آنها صرفاً نمازخانه یا اماکن اجاره‌ای برای عبادت بودند. رسانه‌های بین‌المللی و جامعه اهل تسنن کماکان گزارش میدادند که مقامات از ساخته شدن مساجد تازه سنی‌ها در تهران ممانعت میکنند. سنی‌ها گزارش کردند که تعداد مساجد سنی‌ها در ایران جواب نیاز جمعیت را نمیدهد.

به سبب آنکه دولت از احداث یا عبادت در مساجد خاص سنی‌ها ممانعت می‌کند، رهبران سنی‌ها میگفتند کماکان به اماکن تک موردی، تالارهای زیرزمینی یا نمازخانه برای ادای مراسم دینی خود اتکا میکنند. مأموران امنیتی طبق معمول به آن اماکن غیرمجاز حمله میکردند.

گزارش شد که وزارت اطلاعات و مجریان قانون به ایذاء صوفیان و رهبران آنان ادامه میدادند. رسانه‌های بین‌المللی و سازمان‌های حقوق بشر گزارش میکردند که سانسور وبسایت سلک صوفیان گنابادی به نام مزار سلطانی که حاوی سخنرانی‌های نور علی تابنده، رهبر سلک، و مقالات درباره تصوف بود ادامه داشت.

رسانه‌های بین‌المللی و سازمان‌های غیردولتی مدافع حقوق بشر گزارش می‌کردند که تبلیغات دولتی ضد مسیحیت برای ممانعت از عبادت دین مسیح یا پیوستن به آن ادامه یافت. به گزارش رسانه خبری محبت نیوز دولت طبق معمول نشریات ضد مسیحی و مطالب اینترنتی مانند کتاب صهیونیسیم در جغرافیای مسیحیت، چاپ سال ۲۰۱۷ پخش می‌کرد.

به گفته اعضای جوامع مذهبی صابئین ماندائی و یارسانی، مقامات طبق معمول از دادن مجوز برگزاری مراسم مذهبی در ملاء عام و مجوز احداث اماکن عبادت برای پیروان آنها دریغ می‌کردند. یارسانی‌ها گزارش کردند که تبعیض و ایزاء در صوف نظامیان و سامانه‌های مدارس ادامه داشت. آنها همچنین گزارش می‌کردند که سامانه ثبت ولادت مانع از آن میشد که آنها به فرزندان خود نام‌های یارسانی بدهند. در گزارش ماه جولای گزارشگر حقوق بشر سازمان ملل متحد ویژه ایران آمده است که یارسانی‌ها کماکان با انواع موارد نقض حقوق بشر، از جمله حملات به اماکن نیایش آنها، انهدام گورستان‌های جامعه آنها، و بازداشت‌ها و شکنجه رهبران جوامع خود مواجه می‌شدند. در آن گزارش مواردی شرح داده شده که "افراد پس از آنکه معلوم می‌شود که یارسانی هستند، مثلاً هنگام خدمت نظامی وقتی از نماز گزاردن امتناع می‌کردند، موهای صورت آنها به زور تراشیده می‌شد (داشتن سبیل یک نماد مقدس برای جامعه یارسان است).

به گفته کمیته کلیمیان تهران، پنج مدرسه و دو کودکستان کلیمیان کماکان در تهران دائر بود اما مقامات آنها را ملزم می‌ساختند که مدیران مسلمان داشته باشند. طبق گزارش‌ها، دولت کماکان آموزش به زبان عبری را مجاز می‌ساخت اما به گفته جامعه کلیمیان، دولت توزیع متون عبری، به ویژه متون غیرمذهبی، را محدود می‌کرد که سبب میشد تدریس زبان عبری دشوار شود. دولت مدارس کلیمیان را ملزم می‌ساخت روزهای شنبه که طبق قانون مذهبی یهودیان روز تعطیل محسوب می‌شود مطابق برنامه سایر مدارس، باز باشند.

به گزارش سازمان‌های غیردولتی مسیحی، محدودیت‌هایی که دولت برای نشر مطالب مذهبی وضع کرده بود به قوت خود باقی بود، از جمله ضبط کتابهایی که درباره مسیحیت بود و هنوز در بازار موجود بود. مقامات دولت بارها انجیل‌ها و متون مذهبی غیر شیعی مربوط به آن را بازها ضبط کرده بود و بنگاه‌های انتشاراتی را مطالب مذهبی غیر شیعی غیرمجاز را زیر فشار قرار میداد تا عملیات خود را متوقف کنند. کتاب‌های منتشره درباره مذهب یارسان کماکان ممنوع بود کتاب‌های منتشر شده درباره اقلیت‌های مذهبی، صرفنظر از موضوعشان میبایستی روی جلد آنها برجسیبی وجود میداشت که نشان بدهد مؤلف آن، مسلمان شیعی نیست.

رهبران سُئی‌ها کماکان گزارش می‌کردند که مقامات مطالب و تعلیمات مذهبی سُئی‌ها را از درس شرعیات در پاره‌ای از مدارس دولتی، حتی در نواحی عمدتاً سُئی‌نشین، تحریم کرده بودند. تدریس در سایر مدارس، بخصوص در نواحی گُرد نشین، شامل درس ویژه شرعیات سُئی برای محصلان بود. مسیحیان آسوری گزارش می‌کردند که دولت کماکان به جامعه آنها اجازه میداد از کتاب‌های درسی شرعیات خاص خودشان بعد از آنکه محتویات آن از سوی دولت تصدیق گردید، در مدارس استفاده کنند. مسیحیان ارمنی همچنین اجازه داشتند که شیوه‌های خود را به شکل انتخابی در مدارس منتخب آموزش دهند. اقلیت‌های مذهبی غیررسمی، مانند یارسانی‌ها و بهائیان، کماکان گزارش می‌کردند که قانون به جامعه آنها اجازه نمیدهد کتب مذهبی خودشان را بطور قانونی تهیه و توزیع کنند.

سُنّی‌ها گزارش کردند که در شهرستان هائی که در آنجا اکثریت دارند – مانند کردستان و خوزستان – امکان احراز مقام های دولتی محدود است و نیز نمیتوانند به مقام‌های ارشد در دولت دست یابند. کنشگران سُنّی گزارش کردند که دولت در طول سال، بویژه در ماه مُحرّم، صدها مُبلغ مذهبی شیعی را به مناطقی که جمعیت آنها عمدتاً سُنّی بلوچی هستند اعزام کرد تا بکوشند جمعیت محلی را به ترک مذهب خودشان و گرویدن به تشیع ترغیب کنند.

رسانه‌های بین‌المللی به نقل از نمایندگان جوامع کلیمی، مانند سیامک مورصادق، تنها نماینده کلیمیان در مجلس، گزارش کردند که محدودیت‌ها و تبعیضات دولت علیه کلیمیان به عنوان یک اقلیت مذهبی ادامه داشت اما در مراسم دینی آنها کمتر مداخله میکردند. وی بیمارستان سایپر تهران را پیش میبرد، این بیمارستان در معالجه انقلابیون سال های ۱۹۷۹ تا ۱۹۷۸ نقش اساسی داشت و همچنان یک عبارت عبری از تورات بالای دروازه ورودی آن نوشته شده بود. طبق رسانه های دولتی، به حیث یک مقام دولتی در جلسه حقوق بشر در ژنو در ۹ نوامبر، مرسه صدیق گفت: "مانند سایر ایرانیان، ما اقلیت های دینی نیز آزاد هستیم تا مراسم مذهبی خود را انجام دهیم." به گزارش کمیته کلیمیان تهران، ۳۱ کنیسه در تهران وجود دارد که بیش از ۲۰ تا از آنها دائر بودند. در سراسر ایران ۱۰۰ کنیسه وجود دارد. نمایندگان جامعه کلیمیان کشور میگفتند که کلیمیان ایران آزاد هستند که به خارج از کشور سفر کنند و بازگردند، و دولت عموماً منع سفر به اسرائیل را در مورد کلیمیان تنفیذ نمی‌کند در حالی که این منع در مورد سایر شهروندان ایران تنفیذ می‌شود.

مقامات دولت به کاربرد الفاظ و شعارهای ضدسامی در اظهاریه‌های رسمی و مجاز ساختن استفاده از آنگونه الفاظ در رسانه‌ها، نشریات و کتابها ادامه دادند. در یک سخنرانی به تاریخ ۲ اکتبر، حسین سلامی، رئیس سپاه پاسداران ایران گفت که "اسرائیل از جغرافیای سیاسی جهان از بین خواهد رفت." تجمعات سفارشی دولت کماکان به پا میشد و شامل فریادهای «مرگ بر اسرائیل» بود و سایر اقلیت‌های مذهبی، مانند بهائیان و مسیحیان به تبانی با اسرائیل متهم میشدند. روزنامه‌های محلی کارتون‌هایی به عنوان سرمقاله چاپ میکردند که ماهیت ضد سامی داشت و غالباً بر تحولات در اسرائیل و جاهای دیگر در منطقه تمرکز داشت. به عنوان مثال، روزنامه جام جم در ماه سپتامبر کاریکاتور سرمقاله ای را منتشر کرد که مشارکت اسرائیل در ورزش های بین المللی را "یک نقشه یهودی برای خرد کردن فلسطین بود." نشان می داد.

دولت رویه‌های انتخاباتی جداگانه‌ای برای احراز ۵ کرسی‌های مخصوص نمایندگان جوامع اقلیت مذبی به رسمیت شناخته شده در مجلس را ادامه داد.

دولت کماکان به هر یک از اقلیت‌های مذهبی رسمی اجازه میداد که مراکز ویژه خویش و انجمن‌های فرهنگی، اجتماعی، ورزشی و/یا خیریه خودکفا به هزینه خود بنیان بگذارند.

بخش سوم. وضعیت حرمت اجتماعی آزادی مذهب

بهائیان و کسانی که از حقوق آنها پشتیبانی می‌کردند گزارش دادند که بهائیان عمدتاً آماج عمده خفت اجتماعی و خشونت هستند، و مرتکبان این کارها کماکان با احساس مصونیت به اعمال خود ادامه میدادند

یا حتی موقعی که دستگیر میشوند در پی اعتراف به اینکه اعمال آنها بر اساس هویت مذهبی شخص مصدوم صورت گرفته با مجازات سبک تر مواجه میشوند.

کماکان گفته میشود که طبق گزارش «جامعه بین‌المللی بهائیان» و سایر سازمانهای مراقب وضعیت بهائیان در ایران، غیربهائیان گاهی میگفتند که بهائیان گاهی به سبب فشارهای دولت بیکار میشدند و یا از دادن کار به آنها خودداری می‌شد. «جامعه بین‌المللی بهائیان» کماکان موارد تبعیض در اشتغال و خشونت اعمال شده علیه بهائیان به سبب دین شان را گزارش میکرد. بهائیان موارد مداوم تخریب یا خرابکاری در گورستان‌های بهائیان را گزارش میکردند.

طبق «جامعه بین‌المللی بهائیان»، شعارهای ضد بهائی در سالهای اخیر به طرز چشمگیری افزایش یافته است. در ماه آوریل، «جامعه بین‌المللی بهائیان» گزارش داد که ساکنان شیراز جلسات را در سالن‌های اجتماعی در شهر علیه مذهب بهائی برگزار کردند و تبلیغات احساساتی ضد مذهب بهایی را برپا کرده و بنرهای ضد بهایی‌ها را نصب نمودند.

یارسانی‌های خارج از ایران گزارش می‌کردند که علیه یارسانی‌های مقیم ایران کماکان تبعیضات گسترده روا می‌شود. کودکان یارسانی در مدارس و تأسیسات مشترک اجتماعی مورد روی‌تابی از سوی دیگران قرار می‌گیرفتند. مردان یارسانی که با داشتن سبیل‌های خاص شناخته می‌شوند غالباً از حیث اشتغال با تبعیض رو به رو بودند. طبق گزارش‌ها، واعظان شیعی غالباً اینگونه اجحاف‌ها را علیه یارسانی‌ها ترغیب می‌کردند.

به گزارش «همبستگی جهانی مسیحیان»، «درهای گشوده آمریکا» و منابع دیگر، کسانی که به اسلام می‌پشت کردند و به مسیحیت می‌گرویدند با فشار اجتماعی مداوم و طرد از سوی اعضای خانواده یا جامعه خود مواجه می‌شدند.

طبق گزارش‌ها، روحانیون و امامان جمعه شیعه در موعظه‌ها و اظهارات عمومی خود، کماکان به تکفیر تصوف و فعالیت‌های صوفیان می‌پرداختند. به تاریخ 25 سپتامبر، رسانه‌های محلی گزارش کردند که چندین منبع دولتی در واکنش به برنامه‌های اعلام شده برای تولید فیلمی درباره زندگی شاعر پارسی صوفی شمس تبریزی، از اعتقادات صوفیان انتقاد کردند.

آیت الله ناصر مکارم شیرازی گفت: "با توجه به اینکه این [فیلم] فرقه منحرف صوفی را ترویج می‌کند، از نظر شرعی ممنوع است و باید از آن دوری کرد." آیت الله حسین نوری همدانی گفت: "به گفته امام صادق، فرقه صوفیان دشمن ما است و ترویج آن به هر طریقی مجاز نیست و از نظر شرعی ممنوع [حرام] است."

محصلان سنی گزارش می‌کردند که معلمان آنها سر کلاس مرتباً به شخصیت‌های مذهبی سنی‌ها اهانت می‌کردند.

بخش چهارم - سیاست و اقدامات دولت آمریکا

آمریکا با دولت ایران روابط دیپلماتیک ندارد و از اینرو بطور معمول امکانی برای مطرح کردن مستقیم مسائل با دولت ایران در مورد تعدیات و محدودیت‌ها نسبت به آزادی مذهب در ایران نداشت.

دولت آمریکا کماکان از دولت ایران خواست که به آزادی مذهبی ایرانیان احترام بگذارد و کماکان تعدیات نسبت به اقلیت‌های مذهبی را به انحاء مختلف و در مراجع مختلف بین‌المللی محکوم می‌کرد. این اقدامات شامل اظهارات عمومی مقامات بلندپایه دولت آمریکا، و پشتیبانی از کوشش‌های مربوطه سازمان ملل متحد و سازمان‌های غیردولتی، تدابیر دیپلماتیک و تحریم‌ها بود. مقامات بلندپایه دولت آمریکا بارها علناً خواستار آن می‌شدند که زندانیان سیاسی که به خاطر اعتقادات سیاسی خود به زندان افکنده شده‌اند آزاد شوند.

در ماه ژوئیه ایالات متحده میزبان نشست وزیران هفت کشور دیگر نیز به منظور اعتلای آزادی مذهب بود. آمریکا هفت کشور دیگر بیانیه‌ای درباره ایران صادر کردند و گفتند که «ما با نقض آزادی مذاهب از سوی دولت ایران شدیداً مخالف هستیم. در ایران، کفر، ارتداد از اسلام، و گرویدن مسلمانان به دین دیگر جرائمی هستند که مجازات مرگ دارند. بسیاری از ایرانیان به دلیل استفاده از آزادی اساسی عبادت، مراعات دینی، تمرین و آموزش ایمان شان در زندان‌ها از جمله زندان بزرگ تهران و زندان اوین، زندانی اند. اقلیت‌های دینی شناخته نشده، از جمله بهائی‌ها و مسیحیان، به ویژه در معرض تبعیض، آزار و اذیت و حبس ناعادلانه قرار دارند. سال گذشته، در پی اعتراض صلح آمیز بخاطر بازداشت یک صوفی گنابادی، نیروهای امنیتی به معترضین یورش بردند و دولت بیش از ۲۰۰ صوفی گنابادی را به حبس طولانی و مجازات‌های شدید محکوم کرد. ما با نقض آزادی مذاهب از سوی دولت ایران شدیداً مخالف هستیم و از دولت ایران می‌خواهیم تا تمامی زندانی‌های مذهبی را رها کرده و اتهامات را که ضد حقوق بشر و آزادی مذاهب است رفع نماید. ما از ایران می‌خواهیم تا محاکمات مطابق با حقوق بشر عادلانه برپا کند و برای تمام زندانی‌ها خدمات صحی را مهیا سازد. ما پیروان مذاهب مختلف در ایران را حمایت می‌کنیم و امید داریم که روزی در فضای صلح بتوانند پیرو دین خود باشند.»

وزیر خارجه در طی سخنان مهم به تاریخ ۱۸ ژوئیه، گفت: «مقامات جمهوری اسلامی ایران، اقلیت‌های مذهبی را از داشتن کتاب‌های دینی منع می‌کند و آنها را از دسترسی به آموزش آنها محروم می‌سازد ... در ماه مه، دولت ایران اقلیت‌های مذهبی را از کار کردن در مراکز مراقبت کودکان (مراکزی که کودکان مسلمان اند) منع کرد. و همانطور که ما به خوبی می‌دانیم، ضرب و شتم و زندانی ساختن کار معمول است. ایرانی‌هایی که جرات ایستادگی در برابر آزادی مذهبی خود و همسایگان شان را دارند با سوءاستفاده روبرو می‌شوند. ماه گذشته، رژیم ایران یک عضو شورای شهر را به جرم خواستار شدن آزادی دو بهائی، به زندان انداخت.»

به تاریخ ۲ اگست، در پاسخ به گزارش‌های رسانه‌ای از محکومیت یک زن تازه گرویده به مسیحیت، مهرخ کانبری، معاون رئیس جمهور آمریکا در توییتر اش اظهار داشت: «من حیران شده‌ام پس از آنکه گزارش‌های شنیدم که حاکمان مستبد ایران یکبار دیگر یک زن مسیحی را بخاطر اعمال آزادی عبادت اش مجازات کرده اند. ایران امروز باید مهروخ کانبری را آزاد کند. آمریکا با افرادی پیرو ادیان مختلف در ایران، خواه سنی، صوفی، بهائی، یهودی یا مسیحی باشد، مانند ماهرخ و کشیش بت تمرز ایستادگی خواهد کرد. آزار و اذیت آنها در مخالفت با آزادی دینی قرار دارد.»

به تاریخ ۳ اکتبر، نماینده ویژه ایالات متحده در ایران در پیام ویدیویی اش اظهار داشت: " امروز اکثریت مسیحیان، یهودیان، سنی ها، بهائیان، زرتشتی ها و سایر اقلیت های مذهبی از اساسی ترین حقوق مذهبی شان محروم اند. آنان به شکل متواتر در ایران، شلاق میخورند جریمه و دستگیر می شوند. بدتر از آنکه، اعضای اقلیتهای دینی شناخته نشده مانند بهائیان در ایران به دلیل ایمان شان با انقیاد وحشیانه از جمله زندان، شکنجه، ارباب و حتی مرگ مواجه می شوند. امروز، ده ها نفر بهائیان به دلیل پیروی از ایمان شان در ایران به شکل خودسرانه بازداشت شده اند".

آمریکا همچنین در مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ماه نوامبر به نفع قطعنامه‌هایی که در مورد رویه‌های دولت ایران نسبت به حقوق بشر، از جمله تداوم تعقیب اقلیت‌های مذهبی ابراز نگرانی می‌کرد، رأی داد.

از سال ۱۹۹۹ بدینسو، ایران به سبب پرداختن به موارد نقض شنیع آزادی مذهب یا عدم تحمل آن آزادی، طبق قانون آزادی مذهبی مصوب سال ۱۹۹۸، به عنوان یک «کشور موجب نگرانی خاص» (CPC) معرفی شده است. در تاریخ ۱۸ ماه دسامبر، وزیر امور خارجه آمریکا اعلام کرد که ایران بار دیگر یک «کشور موجب نگرانی خاص» شناخته می‌شود و به دلیل آن تشخیص وضعیت سزاوار تحریم‌های زیر است: «تداوم محدودیت‌های جاری مسافرت به سبب تعدیبات شدید نسبت به حقوق بشر» بموجب بخش ۲۲۱(ب)(۱)(ج) «قانون کاهش تهدید ایران و حقوق بشری سوریه» مصوب سال ۲۰۱۲، بر اساس بخش ۴۰۲ (ج)(۵) آن قانون.»